۱۳۰۰
جلد سوم




بسم الله تبارک و تعالی شانه

چهارشنبه ۱۱ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۰ هجری مطابق مارس ۱۸۸۳ مسیحی و [illegible] ترکی [illegible]

است [illegible] از شکر نعمت [illegible] حالات روزانه و وقایع زندگانی خودم را که از اول سال سوم

حوادث

شروع نمودم [illegible] حوادث زیادی در عالم بروز کرد [illegible] طغیان [illegible] پاشا [illegible] فتوحات

انگلیس در آن [illegible] عساکر [illegible] ایران از شاهزاده‌ها [illegible] امراء [illegible]

[illegible] زیاد بروز ستاره [illegible] طرف مشرق [illegible] تمام قرص آفتاب

امسال

روز [illegible] خلاصه اگر حیات [illegible] در ذیل تاریخ قاجاریه [illegible] ان شاء الله خواهم نوشت [illegible]

اما شخص خودم [illegible] ۲۰۰ [illegible]

[illegible] سابق از بابت [illegible] اما از طرف دیگر [illegible] تعالی [illegible] بود [illegible]

[illegible] پدرم [illegible]

خوابیدم وقت رفتن [illegible] سلطان احمد میرزا [illegible] مرحوم عمادالدوله

خانه رفتم [illegible] حضرت [illegible] شاهزاده [illegible]

فهمد



[illegible] عید [illegible] جشن داشتم [illegible] سبحان الله [illegible] از این سوء ظن که به تمام عالم دارم اگر [illegible]

[illegible] در ۳۰ سال سلطنت [illegible] دروغ شنیده‌اند [illegible] کذب [illegible]

امسال

بعد از [illegible] شمشیر [illegible] امسال [illegible]

امسال

[illegible] ولیعهد [illegible] ظل السلطان [illegible] از شاهزاده‌های [illegible] ظل السلطان [illegible]

[illegible] حسام السلطنه [illegible] شمشیر [illegible]

[illegible] سالم [illegible] امسال [illegible]

تفأل

خواهد بود [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] خانه آمدم [illegible]

اتباع [illegible] غلام [illegible] حاجی [illegible]

حضرت ظل السلطان [illegible] خانه آمدم [illegible]

رفتم [illegible] شاه [illegible] عید [illegible]

تحویل [illegible] امروز [illegible] عید است [illegible]

[illegible] خواجه [illegible] جناب آقا [illegible]

تاریخ [illegible]

[illegible] قوام الدوله [illegible]

بعد

عالی قاپو

با ملیجک هم بازی میکرد قرار داده اند که او کوتوال سردر عالی قاپو که خانگیا اولاد شاه را در
طفولیت آنجا میبرند بچه تماشا ملیجک را آنجا ببرند دیلچی ها حضور آمده تعزیه و تخت حوض مشغول نشست
بعد سر در رفته فرخ خانه آمدم جمعی دیدنی آمدن بعد

جمعه ۱۳ دیشب خبر کرده اند امروز شاه دوشان تپه خواهد رفت من صبح زود از خانه بیرون آمدم دیدنی
از جعفرقلی خان [illegible] رفتم از آنجا [illegible] بعد باز [illegible] رفتم [illegible] کردم از آنجا خانه
ظهیرالدوله رفتم [illegible] شاه عصر [illegible] در خانه رفتم سر [illegible] بعد در آلاچیق با اطباء
صحبت کرده بعد [illegible] منتظر شدم تا شاه با طاق [illegible] رفتم [illegible]
سیاسی بعد شاه [illegible] عصر [illegible] کردم [illegible] درد
اطباء گفته اند زالو بیندازم [illegible] زالو بیندازند [illegible]
رستخانه کردم [illegible] خوب [illegible] عصر شاه [illegible] رفته [illegible] زالو [illegible]
بمن هم زالو [illegible] بعد نشستم [illegible] شاه را [illegible] زالو را [illegible]
حمیرا زالو انداخت [illegible] روزنامه [illegible] حالت [illegible] شاه خواندم [illegible]
بعد [illegible] رفته [illegible] آمدم [illegible] تازه [illegible]
نوکر [illegible] با [illegible] ندارم تازه [illegible] زیاد
هم [illegible] نبودم

کمکم



لعنتم هیچ نمانده هیچی

شنبه ۱۴ صبح زود بیدار شدم در خانه بودم جمعی دیدنی آمدند ظهر کشیده بعد رفتم [illegible] شاه بیرون
نیامد بعد [illegible] ساعت [illegible] تشریف آوردند [illegible] خوب بعد زالو انداخته بعد [illegible] ظل السلطان
[illegible] مشیرالدوله با این خلوت [illegible] شاه بعد از [illegible] مشیرالدوله
[illegible] شاه از این خلوت [illegible] مشیرالدوله [illegible]
[illegible] حضور شاه [illegible] این خلوت [illegible]
[illegible] کردم [illegible] حکم کرده [illegible]
[illegible] یحیی خان مشیرالدوله [illegible]
حیات خلاصه بعد از ناهار [illegible] اطباء [illegible] دوشان تپه رفته [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible] عصر [illegible]
در غیاب من که [illegible] تعریف [illegible] آمدم

یکشنبه ۱۵ صبح [illegible] جمعی [illegible] خانه رفتم شاه بیرون تشریف آوردند اطباء را
جمع کرده [illegible]
[illegible] خانه آمدم [illegible]
[illegible] خان [illegible] شاه [illegible]

نوازش

مطلب [illegible] یحیی خان مشیرالدوله با این خلوت در حضور شاه

دارش حضرت اقدس رفتم دو ساعت دیگر منتظر شدم خبر آوردند شاه بیدار شدند خانه آمدم رختخواب و شام

نیم ساعت خوابیدم که مجدد فراشی آمد مرا بیدار کرد در اندرون ظل السلطان مرا خواسته بود رفتم صحبت نماید

و مجدد نیم ساعت از شب رفته منزل آمدم

دوشنبه ۱۶ صبح در خانه مستوفی در خانه رفتم بخیال اینکه ظل السلطان را ملاقات کنم فردا که عازم دوشان تپه بود را

ملاقات کردم ظل السلطان تا خیلی خوش بود بیرون آمدیم با امین الدوله تا حرمخانه ملاقات کردیم دوشان تپه شاه [illegible]

خرج تا وقت نهار نیم ساعت در [illegible] خانه آمدم [illegible] شاه چهار ساعت بغروب مانده

باغ [illegible] از آنجا بباغ نایب السلطنه رفته از آنجا [illegible] تشریف بردند

شب که در خانه رفتم [illegible] شاه را [illegible] مجدد [illegible] حضرت [illegible]

درست [illegible] با [illegible] خیلی [illegible] از وقت را [illegible] شاه [illegible]

بوستان [illegible] نگاه [illegible] تعظیم [illegible] الوقت

خیلی [illegible] شاهزاده ها و امراء از وقت خیلی [illegible] شاه

در آسمان [illegible] ترتیب [illegible] کرده اند

خلاصه [illegible] آورده ساعت چهار خانه آمدم [illegible] خانم دختر [illegible]

[illegible] شب [illegible] ماند بود

سه شنبه ۱۷ صبح [illegible] رفتم [illegible] که شاه [illegible] ترحم کرده [illegible] در خانه [illegible]







شاه رسیدم اطبا و [illegible] بر خلاف [illegible] حرف [illegible] خیلی [illegible] شاه را پریشانی کردند [illegible]

[illegible] بیداری شد من خانه آمدم خواستم بخوابم قدری خواب رفتم در [illegible] بحکم شاه مرا [illegible] دارد

[illegible] شاه رسید قدری تعریف از باغ [illegible] روز [illegible] خوردند [illegible]

مراجعت بباغ امین الدوله [illegible] رفتم بود

چهارشنبه ۱۸ امروز شاه دوشان تپه تشریف بردند من هم صبح دوشان تپه رفتم جمعی از [illegible] حضرت رسیدند

[illegible] شاه تشریف آوردند نهار صرف [illegible] خوابیدند من هم [illegible] آمدم عصر [illegible] صبح

[illegible] نایب السلطنه [illegible] باغ [illegible]

بیرون [illegible] خانم [illegible] شاه [illegible]

پنجشنبه ۱۹ امروز صبح [illegible] رفتم [illegible] رفتم نهار [illegible]

قدری خوابیدم عصر [illegible] ترجمه [illegible] امروز [illegible] محمد الدوله [illegible]

[illegible] محمد الدوله [illegible]

جمعه ۲۰ صبح [illegible] مستوفی در خانه رفتم شاه بیرون تشریف آورده [illegible]

مزاج شاه سالم است بعد از نهار خوابیدند [illegible] در خانه [illegible] حضرت

استراحت کرده [illegible] از عقبات [illegible] رفتم از آنجا حضرت ظل السلطان [illegible]

[illegible] محمد الدوله را [illegible]

سه‌شنبه ۲۱ صبح [illegible] نصیرالدوله رفتم در طالار [illegible] سه طرف او را آینه نصب کرده نقاشی وسط طاق را از
گل‌های رنگین [illegible] پر کرده و بسیار قشنگ درآورده زنانه بود مرا [illegible] صحبت [illegible] کردیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
عروس [illegible] این است [illegible] امروز حاجی ملا محمد [illegible]

پنجشنبه ۲۲ صبح [illegible] رفتم تا عصر از [illegible] قصر قاجار رفتم [illegible] شاه هم
همه ذی‌عزت [illegible] رسیدند [illegible] از [illegible] باغ عشرت‌آباد [illegible]
[illegible] گردش [illegible] تشریف [illegible] فخرالدوله
[illegible] حمامات [illegible] در خانه [illegible] اتفاقاً [illegible] روز [illegible] پیش [illegible]
[illegible] نیم ساعت [illegible] خانه آمدم

جمعه ۲۳ [illegible] عید است شاه [illegible] تشریف [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] تشریف آوردند [illegible] باغ [illegible]
[illegible] تراشه فروشی [illegible] شاه [illegible]
تشریف [illegible] امروز [illegible]
[illegible] امروز [illegible]

تعبیر عجیبی است درباره اطاق (قر دار و زنانه بود)

تراشه فروشی شاه
فرق تراشه و ترشه را
متوجه نشدم باید لغت دید
اگر در فرهنگها ضبط شده باشد
والا باید از قدما و باخبرها
تحقیق شود [illegible]





سه‌شنبه ۲۴ صبح در خانه رفتم امروز ظل‌السلطان [illegible] شمشیر الماس [illegible] سردار [illegible]
[illegible]
[illegible] اتباع [illegible]
[illegible] اتباع است ساعت چهار خانه آمدم

چهارشنبه ۲۵ امروز شاه [illegible] عبدالعظیم [illegible] ظل‌السلطان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خلوت [illegible] آمدم

پنجشنبه ۲۶ صبح [illegible] خلوت [illegible] رفتم [illegible]
تا [illegible] خانه آمدم [illegible] نصیرالدوله [illegible] حکیم‌الملک [illegible]
ظل‌السلطان [illegible] اختلاف [illegible]

جمعه ۲۷ شاه [illegible] حرکت شد
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خواندند عصر بلدرچین زدم از طرف حاجب حریقه را زدند امروز به واسطه آفتاب طرف جیب پیرهن در را کشید

شب باران شد در عصر دیروز عجیب بود خیلی وحشت داشت [illegible] حکیم [illegible] منزل کرده است

سه‌شنبه ۲۸ رعد و برق و شب با خواجه بخیه شاه آورده بود از وحشت اینکه باد امروز هم شب [illegible]

منقطع [illegible] نهار منزل [illegible] از شمیرانات [illegible] و در کیف [illegible] بود [illegible]

[illegible] از طرف باغ شاه تشریف فرما شدند [illegible] بیرون میر [illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] شاه هم [illegible] سالم نیست [illegible] به جاجرود [illegible] است

پنجشنبه ۲۹ امروز شاه [illegible] میرزا هوای ترجمه [illegible] در [illegible] شاه [illegible]

[illegible] شاه [illegible] جاجرود [illegible] اما سید [illegible] که [illegible]

[illegible] نهار [illegible] منزل آمدم شاه [illegible] رفته [illegible] از [illegible] عصر [illegible]

[illegible] منزل [illegible] شام خوردم

دوشنبه غره [illegible] برای تفنن در بهار امروز [illegible] خوردم در منزل [illegible]

[illegible] نهار [illegible] حضور [illegible] و [illegible] در [illegible] داده [illegible] جهت

[illegible] حضرت [illegible] که

[illegible] این خبر [illegible] منزل [illegible] تعجب کردم چرا که [illegible] انتظار [illegible]

برای ملیجک [illegible] این است [illegible] چرا که مردم [illegible]





شرح حال و نام ملیجک اول

این سفر هر چه [illegible] باید [illegible] حالا وقت آن است که مختصری از حالات [illegible] ملیجک [illegible]

برادر زنیده که ملقب به امین اقدس است از رعایای گروس [illegible] کربلائی [illegible] گروس [illegible]

[illegible] ملیجک [illegible] گروس است [illegible]

[illegible] و این یک [illegible] از رعایای [illegible]

[illegible] در حالا [illegible] است از [illegible]

[illegible] امروز شاه [illegible] غلام بچه شد [illegible] ملیجک را

[illegible] این جوان [illegible] شاه ملیجک را [illegible] غلام بچه [illegible]

[illegible] ملیجک [illegible]

[illegible]

لقب ملیجک

[illegible] شاه [illegible] ملقب کرد [illegible]

[illegible]

[illegible] امین اقدس [illegible]

[illegible] امین اقدس [illegible] ملیجک

[illegible]

[illegible] ملیجک [illegible] دیدم

عجز کردم که صاحب تهرانی اورا نفرستید سبب شد زحمت زیاد خاطر مبارک را حضرت [illegible] ملیجک را

در ارس [illegible] نفرستید بودیم [illegible] با [illegible] زحمت [illegible] همراه [illegible] [illegible]

بعد این بیچاره از اطاق شاه حرکت نکرد [illegible] دیگران [illegible] [illegible]

[illegible] شاه را باد [illegible] که در شکارگاه [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible]

غفلت نکرد پسری [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

طفل اورا [illegible] [illegible] [illegible] خوشحالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آمد

طرف میرزا شاه [illegible] حاله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] تقدیر

اسمای [illegible] جوان [illegible] [illegible] امین السلطان [illegible] طرف [illegible] [illegible] ایران [illegible]

اما [illegible] [illegible] ملیجک [illegible] [illegible] ملیجک است [illegible] [illegible] سال [illegible] تمام [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] زیاد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

امید [illegible] [illegible] امین السلطان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

نام پسر ملیجک

هیولا

ملیجک

سالک

کثافت

انتظار ملیجک و نظر شاه درباره او





امین السلطان بگذارند بیاید

سه شنبه ۲ در کالسکه [illegible] سوار شدم [illegible] [illegible] معروف بزرگ [illegible] رفتیم بعد از نهار [illegible] [illegible] که

شب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

چهارشنبه ۳ [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از نهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از خزانه بیرون [illegible] [illegible] [illegible] امین [illegible] رفتم

پنجشنبه ۴ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] که

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] الی عصر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جمعه پنجم امروز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از نهار [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شنبه ۶ صبح [illegible] امین الدوله رفتم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رفتم الی بعد از نهار

رفتن

گویا دو خزانه وجود داشته یکی در اندرون و یکی بیرون

بعد هم به خانه آمدم شغلی ندارم که سفر بروم عصر هم به سلطنت آباد رفتم [illegible] بعد تفصیل اوضاع را نوشتم

[illegible] مجموع جماعات متوالی ناهار خوردم امروز در قصر بحکم شاه تفصیلی رسید عضدالملک [illegible] شاه در حرم

سپهسالار بزرگ از حکومت سمنان معزول از شیروان [illegible] بجای او امین السلطان حاکم شد

جمعه ۷ دیشب [illegible] شکست [illegible] والله پریشانی بعد هم [illegible] دیگر [illegible] خواب بودم صبح [illegible]

طهران آمد والله [illegible] بهتر است [illegible] رفتم به خانه آمدم [illegible] [illegible]

در شاه [illegible] [illegible] شاه باغ امین الدوله آمدم شام [illegible] خانه آمدم [illegible]

بعد از شیر الدوله عیادت والله [illegible]

دوشنبه ۸ امروز صاحبقرانیه شاه تشریف برده بودند جمع [illegible] [illegible]

دست [illegible] [illegible] [illegible] که سفر [illegible] تفصیل [illegible] [illegible]

سه شنبه ۹ صبح [illegible] رفتم [illegible] دیروز [illegible] بعد سپهسالار شاه [illegible] [illegible]

[illegible] برده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تشریف

برده [illegible] [illegible] [illegible] امروز هم تا [illegible] اتفاق نیفتاد

چهارشنبه ۱۰ صبح که [illegible] رفتم شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] امین السلطان [illegible] رجب [illegible] شعبان [illegible]

[illegible] [illegible] برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از ناهار شاه

سفارت



سفارت انگلیس رفته اطلاع بدهم که به سفر عتبات ۱۵ [illegible] شاه [illegible] موقوف شد

جمعه ۱۱ شاه به سر قنات [illegible] که [illegible] حفر کرده است [illegible] این قنات [illegible] قنات

[illegible] [illegible] [illegible] تفصیلش [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible] قصر [illegible] رفته

[illegible] [illegible] آمده عصر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امین السلطان [illegible]

بعد [illegible] خانه [illegible] خانه آمدم عصر [illegible] امین السلطان [illegible] طهران

بعد ناصر الملک [illegible] امین الدوله هم [illegible]

شنبه ۱۲ شاه سلطنت آباد تشریف بردند صبح [illegible] [illegible] [illegible] رفتم [illegible] [illegible]

رسید [illegible] [illegible] سلطنت آباد رفتم شاه تشریف آوردند [illegible] [illegible] کرده [illegible]

[illegible] سلطنت آباد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] آمدم

یکشنبه ۱۳ صبح [illegible] رفتم [illegible] شاه بیرون تشریف آوردند [illegible] بعد از ناهار [illegible]

[illegible] کتابها را [illegible] [illegible] [illegible] بعد از ناهار رفتم [illegible] شاه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امروز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کتابها را [illegible] خانه آمدم [illegible]

دوشنبه ۱۴

یکشنبه ۱۴ صبح سلام شد شاه و همدان نیز [illegible] نظام کلید [illegible] دو روز گذشت بعد حاکم کردستان

شد امروز صبح هم در خانه رفتم شاه [illegible] را خواستیم بعد [illegible] همدان نیز رفتم شاه تشریف آوردند

نهار میل فرمودند بعد بکلی تشریف بردند من هم به شهر آمدم

دوشنبه ۱۵ صبح با اتفاق کلید فرنگی دیدن عمارت [illegible] رفتم از [illegible]

که نشسته [illegible] نهار صرف شد تا عصر مشغول [illegible] عصر آمدم [illegible]

مراجعت کرده [illegible] شب خوابیدم

سه‌شنبه ۱۶ صبح [illegible] رفتم [illegible] نهار [illegible] به شاه [illegible] آمدم شب [illegible] رفتم

چهارشنبه ۱۷ دیشب [illegible] صبح [illegible] رفتم [illegible] حضرت [illegible] منتظر بودم

[illegible] طرف شهر آمدم [illegible] نهار [illegible] اسلیم

جمعه ۱۸ [illegible] امروز صبح [illegible] مردمان [illegible] ادامه [illegible]

[illegible] در خانه رفتم [illegible] لازم [illegible]

[illegible] عشرت آباد نهار صرف کرده [illegible] قبل از [illegible]

[illegible] حاکم کردستان [illegible] شاه [illegible] کرده

عصر [illegible] طرف سلطنت آباد [illegible] نزول کرده [illegible]

در سلطنت آباد توقف خواهد داشت





جمعه ۱۹ امروز صبح [illegible] باغ سلطنت آباد رفتم شاه [illegible] تشریف آوردند [illegible]

[illegible] روزنامه خواندم نهار صرف شد [illegible] از شهر آمده [illegible]

نهار شاه [illegible] خوابیدم [illegible] عصر [illegible] باغ را [illegible] منزل آمدم [illegible] از

[illegible] امام جمعه [illegible] امروز امام جمعه [illegible]

شنبه ۲۰ صبح شاه تشریف [illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible] نایب السلطنه

[illegible] نایب السلطنه [illegible] رفتم خانه [illegible] از آنجا [illegible] آمدم

[illegible] عصر [illegible] شاه عشرت آباد از آنجا سلطنت آباد رفتم

یکشنبه ۲۱ صبح شاه [illegible] باغ [illegible] رفتند جای خوب [illegible] نهار [illegible]

[illegible] عصر [illegible] سلطنت آباد [illegible]

دوشنبه ۲۲ شاه [illegible] تشریف بردند نهار [illegible] از آنجا [illegible] تشریف آوردند

[illegible] عصر [illegible] توقف کرده [illegible] سلطنت آباد [illegible] امروز [illegible]

باغ [illegible] مسلمان [illegible]

سه‌شنبه ۲۳ شاه از سلطنت آباد [illegible] عشرت آباد توقف خواهند [illegible] در

[illegible] عصر شاه تشریف [illegible] شاه [illegible] عشرت آباد [illegible] آمدم

چهارشنبه ۲۴ شاه صبح [illegible] عصر [illegible] عشرت آباد [illegible]

دیدنی آمدند بعد از رفتن آنها من در خانه رفتم سر نهار بودم بعد خانه آمدم امروز عزالدوله و سایر همراهان

در مجلس تهنیت و تاج‌گذاری امپراطور با پادشاه روس مرخص حضور رسیدند عزالدوله برادر شاه مصطفی قلی خان

امیر تومان یکه جواد خان سرتیپ یکه عباسقلی خان برادر [illegible] یکه [illegible] مترجم یکه [illegible] منشی

یکشنبه ۲۵ امروز دو ساعت از دسته گذشته شاه از عشرت آباد در ساعت [illegible] به شهر آمدند بعد دوباره

عشرت آباد رفتند من هم [illegible] آمدم [illegible] در خدمت شاه بعد مرخصی کرده بودم

جمعه ۲۶ صبح که عشرت آباد رفتم شاه در حضور امین السلطان [illegible] امین السلطان [illegible] روز جمعه

پرستاری کنند سبحان الله [illegible] در هیچ تاریخ چنین اتفاقی نیفتاده که پادشاه مستقل ایران [illegible]

در بستان دولت [illegible] خلاصه [illegible] از شدت حرارت بعد از نهار شاه تمام [illegible] امین الدوله و امین حضور

مجلس شهر [illegible] در باغ امین الدوله صرف کردند [illegible] میرزا [illegible] تاریخ سلطان محمد [illegible] بودم

سه‌شنبه ۲۷ شاه تشریف بردند چاپار سوار از مجلس علاءالدوله را در بین راه ملاقات دیدند [illegible] شدند

من بعد از نهار خانه آمدم شنیدم امین السلطان [illegible] شاه عصر عشرت آباد تشریف برده [illegible] بودم

بودم امین الدوله [illegible] طهران [illegible] مجدالدوله بعد از مجدالدوله حرف شنیدم [illegible]

شاه احضار کرده [illegible] عشرت آباد [illegible] فرنگی را [illegible] شاه مرا احضار [illegible] را

ترجمه نمودم [illegible] میگفت [illegible] ترجمه کرده [illegible] نمیکشند کار دنیا را [illegible]

حلوای ایران باید مثل [illegible] آدم خوب [illegible] حرف [illegible] کنیم

چهارشنبه ۲۸





چهارشنبه ۲۸ صبح شنیدم شاه [illegible] تشریف میبرند [illegible] شاه بعد از نهار قصر فیروزه تشریف بردند

[illegible] را [illegible] که [illegible] باغ [illegible] قهوه‌چی باشی [illegible]

[illegible] قصر فیروزه [illegible]

[illegible] سبحان الله [illegible] نبوده باشند

در نهایت [illegible] خلاصه عشرت آباد [illegible] شنیدم

سلطان [illegible] غلام [illegible] زنگ [illegible]

پنجشنبه ۲۹ صبح شاه از عشرت آباد [illegible] بعد [illegible] آمده [illegible] است

[illegible] بعد از نهار [illegible] بعد از [illegible] تب شدیدی

عارض شد [illegible] شاه عصر عشرت آباد تشریف بردند

سه‌شنبه غره ربیع الاول [illegible] امین السلطان

[illegible] امین [illegible] عمارت [illegible]

[illegible] خدا [illegible] شب [illegible]

[illegible] بعد [illegible] خانه [illegible] امروز [illegible]

[illegible] عصر [illegible] بعد [illegible] شاه امروز [illegible] از عشرت آباد [illegible]

[illegible] گذشته [illegible]

چهارشنبه ۲

چهارشنبه ۲ — باز شب بد بودم حالم خوب نیست صبح حسام السلطنه و امین لشکر دیدنی آمدند شاه امروز
مهمان مشیرالدوله است در باغ مرحوم سپهسالار با تشریفات زیاد شنیدم امین زاده معتمد حرم
حرم در حضور شاه تقلید کنت را در آورده بود کنت تغییر شکل داده بود برخورده است اما
گفته ذلت که بر شیپ ادا گرفته کتک خورده بود امروز شاه عارضی شد حکیم [illegible] درد
تو و حضرت امروز که شاه به باغ تشریف برده بودند سید [illegible] را دیده بود حکیم [illegible] آورده

پنجشنبه ۳ — کمی خوردم صبح مشیرالدوله به عیادت آمد نیم ساعت عصر [illegible] حرف زد شاه
دوال [illegible] شاه مشغول کاغذ خواندن بودند عصر دیگر حکیم طولوزان آمده [illegible]

جمعه ۴ — صبح تب داشتم کلید ابوالقاسم با امین الشیخ الاطباء با نقاش حکیم طولوزان عیادت آمدند
سه ساعت به غروب [illegible] شاه به عشرت آباد رفتند در مراجعت از عشرت آباد به امین السلطان [illegible]
رفتند [illegible] گفتند [illegible] امین السلطان [illegible] چهارصد تومان [illegible] پیشکش کرده

مطلب

از آنجا [illegible] الله یار خان [illegible] رفته [illegible] پیشکش داده [illegible]

مطلب

[illegible] امروز [illegible] که در اطاق شاه [illegible]

راجع به ملیجک

تخت طاوس رفته بود سید ابوالقاسم برادر [illegible] بالای تخت رفته
[illegible] پایه تخت [illegible] شاه [illegible]
[illegible] سید ابوالقاسم برادر [illegible] پایه تخت بالا رفت







شنبه ۵ — صبح رخت پوشیدم [illegible] حکیم طولوزان [illegible] بیرون رفتیم
[illegible] در خانه رفتم خانه ادیب الملک [illegible] ساعت [illegible]
در خانه رفتم [illegible] شاه بیرون تشریف آوردند [illegible] روزنامه خواندم [illegible]
[illegible] عصر [illegible] احوال پرسی [illegible]

یکشنبه ۶ — صبح [illegible] رفتم از آنجا در خانه [illegible]
[illegible] شاه [illegible] به باغ شاه رفتند عصر [illegible] رفتم از آنجا در [illegible]
شب [illegible] شاه با [illegible] داشتند

تعلق خاطر شاه به ملیجک

دوشنبه ۷ — شاه [illegible] رفته [illegible] ملیجک [illegible]
[illegible] از باغ [illegible] همشیره [illegible]

سه شنبه ۸ — صبح طولوزان رفتم از آنجا در خانه شاه [illegible] بیرون تشریف آوردند [illegible]
[illegible]

اسهال

[illegible]

چهارشنبه ۹ — صبح [illegible] رفتم [illegible]
[illegible] شاه [illegible]
حکیم الممالک [illegible] شاه تشریف آوردند [illegible] امین الدوله

احضار نمودند بعد از ناهار حضرت والا را احضار فرمودند الی مرحمت نمودند با تاریخ شاه و نسخه کرده رجوع نمودند

مطلب

انگلیسی در باب سرحدات سیستان و بلوچستان خیال تعدی با ایران دارند تمام دولتها در این باب

یک ساعت به غروب مانده از حضور مرخص شده به شهر رفتم .

حرص

جمعه ۱۰ صبح به عیادت امین السلطان رفتم خوابش نبردم اما حرص دنیا از خوابش برده است حالت

عیرتیه از آنجا در خانه رفتم شیخ مهدی را خدمت شاه بردم صبح اظهار التفات با وجود ... بعد از ناهار خانه

آمدم عصر به دیدن مجدالدوله در شاه ... از آنجا خانه قوام الدوله رفتم ... از حضرت کرده

شنبه ۱۱ صبح امروز والله بهتر است ... به عیادت محمولی رفتم از آنجا در خانه رفتم رسالهٔ سیستان

زنک کرج گفتند ... پسر تیمور ... گرفته ... از آنجا خورد ... دیگر

در باغ ... امروز همان ... حضور شاه بردن آمد ... امروز ... شاه

با دعوای ... یک مرتبه ... کرد در رفت اگر ... سید نصرالدین ... آورد

... شاه ... خلاصه شاه ... تقسیم ... امین السلطان

... به شهر ... شاه ناهار خورده ...

یکشنبه ۱۲ امروز ... شاه ... تیر ... صبح ... دیگر ...

... شاه ... خانه ... رفتم ... شاه ...

با ... ناهار خورده ... رسیدم الی عصر ... خیلی ... عصر







در ... با ... سلطان حسین ... شاه ... رفتم شهر آمدم

یکشنبه ۱۳ صبح ... حضرت ... شب ... ابن ... تفصیل ...

مطلب ادیب الملک برادر مولف

گذشت صبح ... امین السلطان ... ادیب الملک برادرم را دیدم که ... از ...

... امین السلطان رفتم ...

... رفتم ... قزوین ...

... خان وزیر امور خارجه ... شاه

... خطبه ... جواب ... جمع ... رسم ...

... خطبهٔ ایلچی ...

... خطبه

... گفتم ... خطبهٔ ایلچی ... حضرت شاه ...

... خانه ... اگر ... ترجمه ... ترجمه ...

از خانه ... منتظر ... ایلچی ... وقت ... را

از ... ایلچی ... عمارت گلستان ...

... هم رسید ... عمارت ...

... شش ... بالا رفتم ... رسید ... رسیدم

از دارالطباعه تا عمارت پیاده آمدیم اوقات تلخی از نبودن [illegible] طبیعتش بکرد حاجی نقیب [illegible]

بر ضرا برد با ایلچی دارالطباق [illegible] شاهزاده با شمشیر مرصع [illegible] حضرت [illegible] از شب

رفتیم تماشا کرده [illegible] ایلچی [illegible] این کار را کرده [illegible] این [illegible] خیر [illegible]

حالا بقصد خدا خطبهٔ ایلچی را یاد آورده در نهایت فصاحت ترجمه کردم بعد نطق شاه [illegible] خوب

در نهایت [illegible] که ایلچی با تا حرف [illegible] مترجم [illegible] تحسین کرده وزیر خارجه [illegible] را توسط [illegible]

رفتن حضرت [illegible] شاه رفتم حضرت [illegible] علمی [illegible]

توضیحات [illegible] و [illegible] مرا [illegible] بقصد خدا [illegible] علم

در [illegible] روشن است هر وقت [illegible] علم [illegible] خواهد [illegible] سلطنت ایران

حالا [illegible] خیالی [illegible] ایران

با [illegible] خانه آمدم [illegible] مواجب ایرانیان [illegible]

[illegible] ۱۴ جمع [illegible] از آنجا [illegible] خانه آمدم [illegible] شاهزاده [illegible] است

[illegible] ۱۵ جمع [illegible] از آنجا [illegible] طهران [illegible] رفتم امین السلطان را با جای [illegible]

در [illegible] شاه [illegible] سفر [illegible]

شاه خانه آمدم نهار خورده خوابیدم [illegible] نایب السلطنه رفتم [illegible] خانه آمدم

[illegible] ۱۶ امروز شاه [illegible] تشریف [illegible] جمع [illegible] شاه

پرداخت مواجب ایرانیان

گویا سرپرستی ایرانیان با غفار [illegible] بوده [illegible] که در صفحه ۲۴ [illegible] اشاره دارد که [illegible] از وی [illegible] کرده بودند که کتک زده



شاه تشریف آورده نهار [illegible] مشغول کارهای [illegible] عصر [illegible] سلطنت آباد

رعیت [illegible] خانه آمدم

[illegible] ۱۷ جمع [illegible] شاه [illegible] خیابان [illegible]

از آنجا خانه طهران رفتم امین السلطان [illegible] اما [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] کار است [illegible] عوض

از آن حرکت از خانه طهران [illegible] رفته [illegible] نهار خانه آمدم نهار خورده خوابیدم امروز [illegible] عوض

[illegible] زن [illegible] خانم دختر [illegible] مرتضی خان [illegible]

در [illegible] تاج [illegible] الدوله [illegible] از طرف شاه

[illegible] خانم [illegible] الدوله [illegible] در سلطنت [illegible] جلت

[illegible] جهان [illegible]

[illegible] ۱۸ امروز [illegible] شاه [illegible] نهار [illegible] عصر باغ شاه [illegible]

رفتم [illegible] خوابیدم [illegible] شاه [illegible] نهار [illegible] شاه [illegible] باغ رفته [illegible]

[illegible] ۱۹ [illegible] جهان [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] خانه طهران [illegible] رفتم امین [illegible] السلطان [illegible]

شاه [illegible] نهار [illegible] مترجم ایلچی [illegible] از آنجا

[illegible]

صبح [illegible] ... با شاه ... حضرت ... [illegible]

... [illegible] ... خانه آمدم عصر شاه ... [illegible] رفت

یکشنبه ۲۰ امروز شاه ... [illegible] ...

[illegible] ...

دوشنبه ۲۱ صبح ... امین السلطان ... [illegible] ...

خانه ... [illegible] ... حضرت ... [illegible]

سه‌شنبه ۲۲ صبح ... [illegible] در خانه شاه ... [illegible] ...

صحبت ... [illegible] ...

... [illegible] ... امین السلطان را ... [illegible]

... عصر ... [illegible] ...

[illegible]

چهارشنبه ۲۳ امروز شاه ... سلطنت ... [illegible]

... [illegible] ...

پنجشنبه ۲۴ صبح ... [illegible] ...

... [illegible] ...

از صدای





از صدای ... [illegible] ... شاه از خواب بیدار ... [illegible]

... [illegible] ...

دیوانخانه ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

جمعه ۲۵ ... [illegible] ...

... [illegible] ...

شنبه ۲۶ ... [illegible] ... سلطنت ... [illegible]

[illegible]

بازار ... [illegible]

معلوم شد که گفته با امین السلطان زاده فقط ضرر کرده و شب تب شدیدی کرده در خانه رفتم شاه بیرون

تشریف آوردند خیلی متغیر با وزرا امور خارجه خلوت کرده مشغول [illegible] انگلیس از سفارت تعیین

حدود عثمانی از طرف دیگر [illegible] از سمت دیگر سفیر روس هم از طرف [illegible] شاه را

پریشان دارند [illegible] شاه بعد بعد خانه آمدم نهار خورده خوابیدم عصر [illegible]

شنبه ۲۷ شاه امروز بجهت تماشای چاپارهای تازه [illegible] سفیر روس [illegible]

حاجب الدوله [illegible] تشریف برده [illegible] تشریف برده [illegible]

رفته بعد شاه با کمال تغیر تشریف آورد نصیرالدوله که از شاه [illegible] خانه رفته [illegible]

رستمات [illegible] از ایران [illegible] خلوت کرده بعد شاه [illegible] تغیر

نهار صرف و خفته [illegible]

بخوانند در [illegible] نشسته [illegible]

رفتار ناصرالدینشاه با صیغه‌های خود

دوشنبه ۲۸ امروز معلوم شد [illegible]

دکتر [illegible]

تهدید

شاه را [illegible]

[illegible]

[illegible]





بعد نهار [illegible] شب [illegible]

سه شنبه ۲۹ صبح خانه امین السلطان رفتم از [illegible]

مطلب

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] ظل السلطان [illegible] شاه [illegible]

نهار [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] امروز [illegible]

چهارشنبه سلخ صبح خانه ظهیرالدوله [illegible] رفتم تا بعد از نهار بعد خانه آمدم عصر [illegible]

[illegible]

[illegible] امروز [illegible]

پنجشنبه غره شهر شعبان المعظم صبح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] شاه [illegible] خانه آمدم نهار خورده خوابیدم عصر [illegible]

[illegible]

جمعه ۵ امروز شاهنشاه بجهة وداع شمیران با قدسیه خواهند رفت فرمودند که اطفال حرم از رفتن خوشحالند
حاضر شدم در رکاب رفتیم خیلی بد گذشت با ارشد خان این بلد رفتم منزل ... بجهة سفر فرنگستان
در رکاب رفتم بازهم ... شاه ... که همیشه نشستم در رکاب با قدسیه رفتیم نهار ... صحبت
خواستند حضرت ... این سلطان حکیم طلوزان را حضرت آقا ... بجهة ... بهار را
وداع کننده فردا این سلطان ... خواهد رفت ... سلطنت آقا آمدم ... سلطنت
عرض ... حضرت آقا ... این سلطان نخواهند ... حکیم بود این سلطان ... رفت
کرد ... حکیم شاه حضرت ... این سلطان ... در دوران سفر شاه ... شاه
درحرم ... جوانست ... خواهند بود ... شاه حضرت آقا ... طلوزان را برد
خانه دالان آمدم الحمدلله ... خواهد داد

شنبه ۳ صبح این سلطان طلوزان بحکیم باشی ... رفتم خانه ... آمدم ... شاهنشاه
دو ساعت ... شاه ... ماندم ... چادر ... رفته بودند

یکشنبه ۴ امروز صبح زود ... ایلچی رئیس ... شاه ... موقوف ... ایلچی ینگی دنیا
را هم فردا ... کنند ... رفتم بازدید خارجه ... ایلچی روس

خاص

حاضر باشم جواب ... الحاج ... جعبه جواهر ... خوش
نخواهند شد این ایلچی ... زبان ... خواهند ... از صحبتهای ... خوانند







حرم خانه آمدم خواستم بخوابم خوابم نبرد بکارهای اندرونی منظم ... خیلی پریشانم

دوشنبه ۵ صبح دالان آمدم الحمدلله ... رفتم ... شب ... نعمت ... آقا ترکی
ینگی دنیا ... ترجمه ... نعمت ... که اعلان سفر فرنگستان شاه را
کرد حرم خانه آمدم ... رفتم شاه ... نعمت ... پیاده
شب شاه ... از ... سلطنت ... فرنگستان ... را
این جا ... سپردم که ... حالا ... تاریخ ... است
تنها ... بعد ... آن ... امامزاده ...

امامزاده سید اسمعیل در انتهای خیابان سیروس در ضلع غربی قرار دارد

سه شنبه ۶ این سفر ... است ... که ... است

در ایران علی الخصوص سفر فرنگستان در این ... نیست ... توقف شدم
... که ... دارد ... سفر فرنگستان
... را ... جمع ... خوب
... حضرت ... که مبادا ...
... جمع ... آتش ...

سکون

... را ... تا در خانه ... خانه ... گرفت ... بکند
... را ... دارم ... باید ... را ...

نمونه‌ای از تعصبات خرافاتی

سفر بود که حرکت تمام عمارات را بیرون خواستیم از همان اطاق بیرون آمدیم وداع مخصوص [illegible]

خواستیم با کالسکه [illegible] از در بیرون رفتیم حکیم الممالک [illegible] طبیب که معالج [illegible] از خانه

[illegible] بیرون آمده [illegible] هر حال [illegible] رفتیم [illegible]

شکون

معرفی یکی از عرفای تهران

[illegible] رفتیم [illegible] سفر [illegible] استدعا

[illegible] آمدیم [illegible] وداع [illegible] آورده

[illegible] قوری [illegible] در سال [illegible] بودیم

نشسته بطرف [illegible] حرکت [illegible]

[illegible] حصار [illegible] شیر الدوله [illegible]

[illegible] وداع کردیم [illegible]

[illegible] شیر الدوله را [illegible] حصار [illegible] کرده بود

[illegible] وداع کرده سوار شدیم بطرف آفتاب [illegible]

یک ساعت از [illegible] گذشته [illegible] آفتاب [illegible]

[illegible] امین الدوله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

اجودان مخصوص

[illegible] امین [illegible] واجودان مخصوص [illegible]







قراری که ما خواندیم [illegible] روزنامه خواندیم با امین السلطان هم از شهر [illegible] آمده [illegible]

(همه جا در کتاب جاجرود را)
(جاجرود نوشته است)

بطرف منزل در [illegible] بلند [illegible] کنار رودخانه جاجرود است با امین السلطان [illegible] صحبت کرده بعد

در کالسکه نشسته طرف منزل راندیم [illegible] از عقب [illegible] آمدیم [illegible]

[illegible] در هوا سایه کرد [illegible] حیوانات [illegible] خون [illegible]

همراهان موکب [illegible]

یک ساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم [illegible] همراهان [illegible] امین السلطان [illegible]

شیخ مهدی [illegible] کاتب [illegible]

نقی [illegible]

مطلب چاپ روزنامه در سفر [illegible]

[illegible] طبع [illegible]

چاپ شد [illegible] نظر [illegible]

چهارشنبه ۷ شاه [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] خواب [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

[illegible] امین الدوله [illegible]

[illegible] امین الدوله [illegible]

[illegible] بطرف منزل حرکت [illegible]

۵ روزنامه که در سر ناهار [illegible] عوض کردم آفتاب‌گردان [illegible] را آوردند بعد از ناهار [illegible]

[illegible] رسیدیم عصر حضرت شاه [illegible] کلید [illegible] با این [illegible] بعد از منزل

[illegible] منزل امروز [illegible] است [illegible] از طهران [illegible] است

سه ۸ — از [illegible] که از [illegible] شاه [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] با [illegible] محبت [illegible] یک روزنامه [illegible]

منزل تشریف [illegible] شاه [illegible] نیست [illegible]

[illegible] رسید که

[illegible] ملاقات [illegible]

[illegible] خلاصه [illegible]

عصر [illegible] یک روزنامه [illegible] منزل آمدم [illegible] از طهران [illegible]

جمعه ۹ — امروز [illegible] الدوله [illegible]

[illegible] صبح [illegible] ناهار [illegible]

[illegible] بعد [illegible] عالم [illegible]

[illegible] منزل [illegible] عصر [illegible] منزل [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] طهران [illegible] والله [illegible]





سه ۱۰ — [illegible] سوار شده [illegible] جای [illegible] شاه [illegible] حرکت

[illegible] از [illegible] کشیدیم اما [illegible] گذشت [illegible] الدوله [illegible]

[illegible] نزدیک منزل [illegible] الدوله را دیدیم [illegible] را آوردند [illegible] بود

جمعه ۱۱ — طهران [illegible] صبح [illegible] رفتیم [illegible] شاه [illegible] ناهار [illegible]

به منزل [illegible] رسیدیم [illegible] رفتیم [illegible] طهران [illegible]

جمعه ۱۲ — امروز [illegible] منزل [illegible] صبح [illegible] شاه [illegible]

[illegible] روزنامه خواندم [illegible] کتاب

[illegible] حضرت [illegible] خواسته [illegible]

[illegible] منازل [illegible]

عصر [illegible] منزل [illegible] روزنامه [illegible] شاه [illegible]

دختر کردی گرشاه در جاجرود دیده و برابر ده بردهٔ

[illegible] کرد

[illegible] امروز [illegible] طهران [illegible]

سه ۱۳ — امروز [illegible] شاه [illegible] منزل [illegible]

[illegible] منزل [illegible] شاه [illegible] کرده [illegible]

[illegible] خلاصه [illegible] رسیدیم [illegible]

صرف شد خوابیدیم که نیمه شب از خواب بیدار شدم طهران و اهل [illegible] بخاطرم آمد بسیار تنگ بود دیوانه شدم باز خوابیدم

باز صبح [illegible] بیدار شدم خیلی زود [illegible] است ارتفاع این آبادی با طهران هزار و [illegible] است

رودخانه نیمرود که اکنون به نمرود معروف است

چهارشنبه ۱۴ صبح در این آبادی منتظر شاه شدم تشریف آوردند در رکاب [illegible] [illegible] [illegible]

شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خبر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خبر رسید [illegible] [illegible]

پنجشنبه ۱۵ صبح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روزنامه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بمنزل آمدم شاه [illegible] [illegible] امروز

با [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جمعه ۱۶ امروز منزل [illegible] است صبح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه

رسیدم شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علاءالدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

با [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه رسیدم [illegible] روزنامه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علاءالدوله [illegible] [illegible]

عرض کرد [illegible] شاه پریشان شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علاءالدوله [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ارتفاع این منزل با طهران [illegible] است





سه شنبه ۱۷ امروز منزل حاجی آباد است صبح در رکاب شاه بودیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible]

علاقه [illegible] [illegible] شاه [illegible] معدن طلا

آنجا [illegible] این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طلا پیدا [illegible] [illegible] فرسنگ

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ارتفاع [illegible] ۱۵ [illegible] است

چهارشنبه ۱۸ امروز منزل [illegible] است [illegible] [illegible] فرسنگ است [illegible] [illegible] [illegible] فرسنگ [illegible]

[illegible] صبح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

بمنزل آمدم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امروز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

محش

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ارتفاع این منزل [illegible] [illegible] است

دوشنبه ۱۹ — امروز بواسطهٔ [illegible] در راه دربند طهران شد جمع [illegible] چند روز [illegible]

چون در دربند در عمارت شاه [illegible] رفتیم الی [illegible] نهار بودیم [illegible] محمد خان امین دیوان را دیدم که

از [illegible] که در همین جاها است از خانه [illegible] ابراهیم خان [illegible] ابراهیم خان [illegible]

مرده اولاد [illegible] یک پسر صغیر [illegible] دختر دارد [illegible] در جمیع [illegible] وراث [illegible]

علی الخصوص مخارج فوق العاده [illegible] سفر [illegible] محمد خان از طهران مامور اخذ نقدینهٔ ابراهیم خان

شد اینجا پیدا [illegible] بسیار [illegible] نهار [illegible] منزل آمدیم

سه شنبه ۲۰ — منزل فولاد محله است از دهات [illegible] که [illegible] مازندران [illegible] عمارت شاه [illegible]

[illegible] گوسفند [illegible] یک روزنامه

[illegible] تا رسیدیم [illegible] بسیار خوب [illegible]

[illegible] فولاد محله [illegible] نهار [illegible] شاه [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible] نهار [illegible] شاه

[illegible] روزنامه [illegible]

[illegible] امین [illegible] منزل آمدیم فولاد محله [illegible]

[illegible] طهران [illegible] هوا [illegible]

چهارشنبه ۲۱

مطلب
وراثت شاه در متوفیان متمول

ماموریت امین دیوان جهت اخذ نقدینه ابراهیم خان [illegible]

بازار [illegible] تعلق خاطر شاه به [illegible] کوچک [illegible] گوسفند او را زده و مریض شده

تعارف [illegible] دادن مالکین دهات برای آنکه اردو در زمین آنها فرود نیاید.



چهارشنبه ۲۱ — امروز [illegible] از دهات [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] صبح [illegible] شاه رسیدیم [illegible] امین الملک [illegible]

[illegible] سر نهار [illegible] نهار [illegible] طهران

[illegible] روزنامه [illegible]

پنجشنبه ۲۲ — امروز [illegible] صبح [illegible] ابراهیم خان [illegible] مازندران [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible] امروز [illegible] آن طرف [illegible]

[illegible] شاه [illegible] نهار [illegible] منزل راندند [illegible]

[illegible] طرف طهران [illegible] حکم [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] منزل [illegible]

[illegible] راندیم [illegible]

[illegible] طهران [illegible] است

جمعه ۲۳ — اطراق است صبح [illegible]

[illegible] امین السلطان امروز [illegible]

شنبه ۲۴ — امروز هم اطراق است صبح [illegible] روزنامه [illegible]

[illegible]

مطلب

حکیم الممالک [illegible] منزل آمدم [illegible] بعد از ظهر [illegible] [illegible]

جمعه ۲۵ امروز منزل چهارده کلاته است صبح [illegible] حرکت کردیم [illegible] در کلاته [illegible] آباد

دار [illegible] [illegible] از [illegible] کلاته [illegible] امروز [illegible] الجواد

در [illegible] [illegible] [illegible] چشم [illegible]

[illegible] جلد کتاب [illegible] [illegible] جلد [illegible]

کتاب [illegible] جلد قرآن [illegible] [illegible] از قریه [illegible] پیدا کرده

منزل [illegible] امروز [illegible] [illegible] طهران [illegible]

دوشنبه ۲۶ منزل [illegible] از منزل تا [illegible] چهار فرسخ [illegible]

چون [illegible] [illegible] [illegible] طهران [illegible]

سه‌شنبه ۲۷ امروز [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عصر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حکیم الممالک [illegible] [illegible] [illegible] تشریف آوردند

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پنجشنبه ۲۹ امروز منزل [illegible] است صبح [illegible] [illegible] [illegible] روزنامه خواندم [illegible]

الحمد





[illegible] [illegible] عصر [illegible] [illegible] منزل آمدم امروز [illegible] فرسخ [illegible]

جمعه سلخ صبح [illegible] که منزل امروز است [illegible] منزل [illegible] [illegible]

[illegible] منزل [illegible] [illegible] منزل [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] منزل [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] روزنامه [illegible] منزل [illegible] [illegible]

سه‌شنبه [illegible] ماه رمضان المبارک صبح [illegible] عصر [illegible]

حضرت [illegible] حکیم [illegible] [illegible] شاه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] صبح ناهار خورده [illegible] [illegible] ناهار [illegible]

[illegible] منزل [illegible] [illegible] [illegible] عصر [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] امروز منزل کلاته [illegible] صبح [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

از تنگی عقبهٔ تو در جنب بحر خالی است الآن تحقیق نهار صرف شد حرکت کردیم چهار ساعت به غروب مانده [illegible]

ام رسید تحقیقاً به منزل آمدیم نیم فرسنگ [illegible] رسیدیم ارتفاع یکصد ذرع است

سه‌شنبه ۴ صبح در کالسکه سوار شدیم از راه معمول [illegible] از چشمه سرخ خواسته [illegible] دیروز

سنجیدم امروز معلوم [illegible] چشمه سرخ معبر ترکمان [illegible] کوه [illegible] رفته بود

را سیر میکردند حالا از [illegible] ترکمان [illegible] ارود شاه آمد

و یک [illegible] ترکمان

شاه را [illegible] صبح

رسیدیم از بالای [illegible] منزل آمدیم منزل [illegible] سیلاخ

[illegible] ارتفاعش با طهران چهار صد ذرع است

چهارشنبه ۵ منزل [illegible] دیروز [illegible] شدیم در کالسکه سوار شدیم از

کوه‌ها بالا رفتیم از دره‌ها [illegible] یک [illegible] ماندیم

[illegible] روزنامه [illegible] منزل [illegible] طهران چهارصد ذرع کمتر است

پنجشنبه ۶ منزل [illegible] است صبح [illegible] منزل آمدیم دیروز شنیدم [illegible]

خواهد رفت [illegible] کوه [illegible] ریخته کرد [illegible] تمام شده است

فردا هم [illegible] ارتفاع اینجا با طهران [illegible] ذرع است

جمعه ۷



جمعه ۷ منزل [illegible] است صبح [illegible] با [illegible] در کالسکه [illegible]

در [illegible] روزنامه [illegible] شاه [illegible] طرف [illegible] با [illegible] حکمک

[illegible] تحقیق [illegible] آمدیم [illegible] با طهران [illegible] است [illegible] هوا [illegible]

طرف شمال [illegible] به سمت دریا است [illegible] دریا [illegible] است [illegible]

[illegible] از [illegible] است [illegible] شاه [illegible] شاه [illegible]

[illegible] ترکمان [illegible] ناصرالدین شاه [illegible]

[illegible] ترکمان [illegible] است [illegible] است

شنبه ۸ طهران [illegible] صبح [illegible] منزل [illegible]

در سفرنامه [illegible] نوشته‌ام امروز [illegible] زعفران [illegible]

[illegible] طهران [illegible] است [illegible] ترکمان‌ها [illegible]

با [illegible] شاه [illegible] سطوت سلطنت [illegible] با آنها [illegible]

از [illegible] حکم [illegible] روس است [illegible] با آنها

[illegible] طرف [illegible] شاه [illegible]

[illegible] چهار صد [illegible] شام [illegible]

[illegible] دیروز [illegible] [illegible]

[illegible]

راه بسیار بد بود جمعیت و بنه اردو از راهی که شاه تشریف آورده بودند سه فرسنگ بود بسیار سنگلاخ بود

در صفحهٔ مسیر الله‌یار دشت هزاره‌ها بسیار حرمخانه از راه معمولی رفته بعد از این آن شهر را تا شاه قصد بود که

تو بلهٔ ملک ... جمله از تعاقب تشریف حرکت کنند از اعتبار اسباب که بود است بار حرم قاطر ... در اردو ... حاجات

و ... آنها شام را بیرون ... حضرت ... ما ... بودیم

*نمونهٔ آزار و بی‌رحمی زمان جوم و تعلق خاطر شاه به ملیجک*

سه‌شنبه ۹ شاه سوار شدند من هم در رکاب بودیم در بین فرسنگ از جلو جلال خبر ... چند ...

سه فرسنگ ... بعد به منزل آمدیم امروز تفصیل ... این است ... قصد ... سفر ... آمدیم

در رکاب شاه بحکم ... طایفه ... حالا بیند ... از آنها کشتند و اسیر کرده در میان اسرا دختری بود

که بخانم مرحوم نظرقلی ... بعضی اهل کسی ... ملک تخت ... او و حشمت ... بود شاه رسید اورا

*داستان دختر ترکمان که اسیر و بعد به زوجیت شاه درآمد — مطلب*

خواستند ... دختر را دیدم این دختر در حرم قاجار بزرگ شد ... سلطنت ترکمان

ها ... از طایفه ... آنها ... از آنها ... ترکمان ...

... این دختر را از ... دیدند ... سلطنت ... اسیر کرده ... تحقیق ... این ... ترکمان

در دعوی ... صادق ... او را ... که این ... دختر ... در حرم ... دیدیم

نتایج این ... عاقبت ... خواهد شد ... الحال است

دوشنبه ۱۰ جلیل ... شاه سوار شدند ... رفتن ... که ... فرسنگ ... که ... رفتند

از ... حرکت ... راه ... بود ... تا ... حضرت ... آمد





صحن ... نورش در ... اردو ... خورده بودیم ... رفتیم

سه‌شنبه ۱۱ امروز کوچ است ... طرف ... صبح شاه سوار شدند ... بود از ...

فرسنگ ... جمعه ... در میان ... انار ... از آنجا ... خواستیم ... گذاشته

... طهران ... هم ... از ... فرسنگ بود ... فرسنگ ... قلعه ... حالا ... کرده است

ارتفاع اینجا از طهران کمتر است

چهارشنبه ۱۲ منزل ... است ... آب ... سوار ... جلو ... شاه

سوار شدیم در رکاب ... فرسنگ ... منزل ... شاه ... در ... منزل آمدیم ...

... شب ... طهران ... که ... حرکت ... چاپار ...

طهران ... ارزانی ... جا ... که ... امروز ... هوا ... باد ... در راه

حاضر کرده ... که ... آنها ... چلیک ... نقدینه ... چلیک

را ... آوردند ... ارتفاع ...

... فرسنگ ... از طهران ... است ... است

پنجشنبه ۱۳ امروز ... شاه ... سوار ... در ... منزل ... نشسته ... رفتند

... منزل ... فرسنگ ... قلعه ... تفصیل

در روزنامه مفصل ... نوشته‌ام ارتفاع اینجا با طهران ... است

جمعه ۱۴ — در جاجرود طهراق شده رفتیم تماشای شهر رفتیم به منزل آمدیم پیشخدمت‌ها رفت کاغذ

نوشتیم به درخانه رفتیم سوار شدیم به منزل آمدیم حمام رفتیم بخوابیم [illegible] خوابیدیم

شنبه ۱۵ — [illegible] نزدیک است [illegible] همه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] در [illegible] که [illegible] نهار منزل خورده [illegible]

عصر درخانه رفتیم شاه امروز [illegible] کور [illegible] [illegible] عصر امروز

درخانه منزل [illegible] رفتیم [illegible] از طهران [illegible] گرفت

یکشنبه ۱۶ — امروز [illegible] طهراق است اما [illegible] شل

[illegible] جمعه [illegible] طهراق [illegible] سوار شدیم [illegible]

[illegible] خانه [illegible] اما [illegible] شاه [illegible]

خوابیدیم تا عصر [illegible] میرزا محمود [illegible] در [illegible] که

[illegible] رفتیم [illegible] دیدیم که در روزنامه تفصیل نوشته‌ام

دوشنبه ۱۷ — امروز منزل [illegible] آمد جمع [illegible] شاه [illegible]

[illegible] قرار است [illegible] جز [illegible]

داده مردم عوام [illegible] کرده [illegible] شاه [illegible]

از [illegible] منزل [illegible] رسیدیم [illegible] شاه [illegible]





جمعی از [illegible] که [illegible] [illegible] با نهار [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] داده که [illegible] مسجد [illegible] شاه

[illegible] نهار [illegible] کرده [illegible] تقریر [illegible] که [illegible]

[illegible] خانه [illegible] [illegible] شوم [illegible]

[illegible] جهت [illegible] امروز [illegible] طهران ۵ ۲۰ [illegible]

سه‌شنبه ۱۸ — جمع منزل [illegible] رفتیم [illegible] بعد [illegible]

رکن الدوله والی خراسان [illegible] استقبال کرده [illegible]

[illegible] مملکت [illegible] سلطان [illegible] شاه [illegible]

[illegible] طهران [illegible] منزل [illegible] علی اللطیف است

چهارشنبه ۱۹ — امروز [illegible] رکن الدوله [illegible] حمام [illegible]

رفت حمام رفتیم [illegible] منزل آمدیم [illegible] باغ [illegible]

طهران [illegible] باغ [illegible] به منزل

[illegible] عصر درخانه رفتیم [illegible] شاه [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

پنجشنبه ۲۰ — جمع درخانه رفتیم در باغ [illegible] که [illegible] مسکن

حرارت هوا زیاد. شاه حمام تشریف داشت. بعد بیرون آمده ناهار صرف [illegible] از طهران رسید

کاغذ زنانه آورده بودند مطالعه فرمودند. من منزل آمدم ناهار خورده قدری کاغذ نوشته خوابیدم عصر طهران

مرا دیدن جنرال روس رفتم. مرد کوتاه قدی [illegible] کلفت است. زبان فرانسه کم میداند اما مشهور است

که خیلی عاقل است. زیاد در آنجا نشستم. صحبت علمی و تاریخی کردیم. امروز عصر پیش جنرال با اتباع

معزز به باغ حضرت شاه رسیده بودند. شاه [illegible] الدوله حضرت [illegible] تمجید کرده بودند

جمعه ۲۱ در کالسکه رفتم. الی بعد از ناهار بعد میدان [illegible] الدوله رفتم بعد منزل آمدم خوابیدم

شب به حضور رفتم. تشریفات طهران را مرتب کنم. عصر هم جنرال روس دیدن من آمد. بعد عصر با

[illegible] باز در خانه رفتم

شنبه ۲۲ شاه [illegible] عضد الملک خواهش کرد منزل او در حرم

برای ترتیب جاهای مهمان‌ها مرکب [illegible] است. ناهار صرف شد. من منزل آمدم. عصر جای [illegible]

رفتم. معلوم شد نشان و حمایل سبز و خطاب جناب به امین الملک مرحمت شد. شاه دیگر سلطنت

میخواهد [illegible] و مردم [illegible] که این سلطان [illegible] است

یکشنبه ۲۳ صبح منزل عضد الملک رفتم. ژنرال روس را دیدن آمد. [illegible] برای اردو

فراهم آورده در خانه رفتم. حضرت شاه رسیدم. روزنامه [illegible] که شرح [illegible] از معارف

[illegible] طهران میخواهد ترجمه کنم [illegible] که مطابق با وضع حالیه نوشته بود

کالسکه



کالسکه [illegible] روز [illegible] که از شدت درد [illegible] در روزنامه نوشته

امروز کالسکه در نهایت ملالت و فردا [illegible] بیرون [illegible] کارهای [illegible] کرد [illegible]

در کالسکه چون این قضیه [illegible] با وضع ما در باب این [illegible] که چه روز [illegible] شاه

اصرار دارند که معلوم شد که [illegible] اگر چه حکم طهران [illegible] میخواهند [illegible] ترجمه میکردند

اصرار

[illegible] در [illegible] را میخواهند ملتفت شده که [illegible] ترجمه کنم [illegible]

باز از [illegible] معلوم شد سوء ظن حاصل کرده به یک بهانه روزنامه را از دست طهران گرفته

خود روزنامه را [illegible] از شدت [illegible] که دارند ملتفت شده [illegible]

سوء ظن کردم [illegible] روزنامه را [illegible] از این حقو [illegible] معروف [illegible]

غنیمت شمرده عرض کردم [illegible] کاملا از برای ذات مقدس خود [illegible]

در [illegible] شاه [illegible] تصدیق کرده [illegible]

ناهار منزل آمدم خوابیدم [illegible] در [illegible] مهمانی [illegible] روس [illegible]

[illegible] این مهمانی [illegible] نکردن [illegible] تفصیل [illegible]

دقیقه [illegible] حضرت [illegible] این [illegible]

مهمانی [illegible] تعیین جای [illegible] مهمان‌ها [illegible] روز

در [illegible] و ترتیب جاها را دادم [illegible] تمام جاها را عرض کرده [illegible] دربار

[illegible]

که اسم عنوان منصوری تربیت نشده شاه را از حرمت نگذاشته اند مثل مستوفی و سایر

عهدی بابی کاملی که از طرف شاه بشود محمود را از وزیر اعظم بالاتر میدانستند راضی کرده بود تشبیه به شمس

ه درجه بالاتر از شان منصور اعلی طلبند شتی سکه این حضرت که هیچ جهت نمیدهد و با همراه محمود

را دعوت کرده بود و حالا او در شبهای بزرگ درجه بدرجه جای خود را عوض کرد تا آنکه محمود را

بالاتر از همه جا داد خلاصه در شب شام عضد الملک بعضی ایلچی امپراطور روس خطبه که الکساندر

بجهت او نوشته کرده بود در سه روز قبل از آن حفظ کرده بود که ... عبارت سخت دعوا

با بعضی ... قرائت ... ترجمه کرد بعد جواب را ... بروسی ... که ...

که مترجم آنجا بود بعضی را ترجمه کرده ... را ... که ... ترتیب

اوردن شاه ... حاضر شدن رکن الدوله برادر شاه که ... ولی جرجانی

دوشنبه ۲۴ امروز صبح ... رفتیم سر نهار ... جای ... عوض کردیم در خانه

نهار ... سهم ... شاه ... که ... شد

نهار را در خانه خوردیم بعد از نهار ... رکن الدوله رسید ... اوملا

فوت امین السلطان

از سرخرود ... امین السلطان ... روز ... جنازه او ...

در ... فوت ... شاه ... روز ... سطح ... اسباب ...

محمد ... امین السلطان ... خلوت ... نظامی ...





با حضور ... روسی ... عسکر ... در نشان ... جنرال داده شد در حقیقت ... نوشته

در نزد عضد الملک ... بعد از ... زیاد از حرمات امین السلطان رحم ... امین السلطان ... حیف

اعتماد ... امین الملک ... دره منزل که ... ایلچی ... نخواهد ... است

سه شنبه ۲۵ امروز حرکت شد منزل نوده است چهار فرسنگ ... امین الملک

رفتیم ... نشسته ... منزل آمدیم ارتفاع ... است

چهارشنبه ۲۶ منزل ... خاک خبوشان است جلگه ... قراول ... شدید

رسیدیم که جنب خانه ... آب ... که ... خبوشان است

از ... شجاع الملک ... استقبال کرده اند ارتفاع ... طهران است هوا ... خوب است

از ... که ... فراموش کرده بودم ... که ... جنرال روس ... اول

... ترتیب ... تمام

... پیغام داده بود ... ترتیب ... نشسته ... محمد ...

پنجشنبه ۲۷ امروز ... طراق ... منزل ... طراق ...

از ... طراق ... اطلاع ... دادم ...

لباس پوشیده ... کتابچه ... نوشتیم ...

... کتابچه ... رفتم ... منزل

محب خان. از آنجا منزل طوران چمن آمدیم منزل آمدم که شام و نهار خورده سوار شوم چاپارهای

پیشخدمت‌ها را بار نکرده فراشها بچه‌ها نکرده [illegible] بی‌صاحب هزار فحش بعد دادند گفتند بیچاره‌ها [illegible]

من زیاد از حد متغیر شدم اما در راه چه [illegible] کردیم بعد گفتم [illegible] هستند [illegible]

مدت بپایم تلاش کنم گفت این همه [illegible] شهر [illegible] خان است چون [illegible]

طبع [illegible] معلوم بعد از شدت [illegible] صبح [illegible] [illegible]

دهر [illegible] جواب بدادم خودم هم [illegible] یک [illegible] سوار شوم بعد از ظهر [illegible]

نه از جواب کردن [illegible] زیرا بسیار لازم بود [illegible] بود بلکه از جواب

دادن آن [illegible] رسیدیم حضرت چه شدند جواب دادند [illegible] خریدند و

رفتند معلوم شد [illegible] رفته است نزد [illegible] الملک [illegible]

بعد از آنجا [illegible] تومان قرض کرده بود [illegible] الملک هم در [illegible]

نوکرهای [illegible] کرده از رفتند خلاصه [illegible] است بعد

جمعه ۲۸ منزل شیروان است از [illegible] سه فرسنگ است صبح [illegible] شدم در آنجا

سوار شوم در خانه [illegible] تشریف آورده [illegible] کرده که [illegible]

زیاد [illegible] منتظر بود که آمد [illegible] بعض [illegible]

[illegible] است [illegible] جواب [illegible] خلاصه بعد [illegible]

راه است



راه است [illegible] هم [illegible] کرده [illegible] هم [illegible] خواستم [illegible] در [illegible] کوه

و [illegible] بالا رفتم [illegible] فرسنگ [illegible] دیدم [illegible] که [illegible] است

اما کرم [illegible] نهار [illegible] فاصله [illegible] منزل شده [illegible] رنگ

راه [illegible] کرده در جلگه [illegible] گذشتم [illegible] ارتفاع شهر طهران است

سه‌شنبه ۲۹ منزل [illegible] است سه فرسنگ است صبح [illegible] شدم [illegible]

با [illegible] بالا [illegible] منزل [illegible] سوار شدم [illegible]

بیرون تشریف آوردند [illegible] بود [illegible] نهار [illegible] بودم

تاریخ آل عثمان [illegible] کردم [illegible] سلطان [illegible] الدوله اطلاع [illegible]

عجب [illegible] حکم [illegible] روس [illegible] حکم [illegible]

در [illegible] است [illegible] ایران است از [illegible] است این حکم [illegible]

[illegible] کرده که در موقع روس [illegible] آورد شاه

[illegible] چیز [illegible] ارتفاع این منزل با طهران [illegible]

[illegible] ال [illegible] منزل [illegible] فرسنگ [illegible] است صبح [illegible]

شاه سوار شدم بعد [illegible] آوردند [illegible] شدیم [illegible] کرد [illegible] شاه [illegible]

راه [illegible] تشریف [illegible] سوار شدم [illegible] به نهار [illegible] آفتاب گردان

هوا برودت داشت کشیکچی‌باشی [illegible] در حرم [illegible] با خبر [illegible] کشیکچی‌باشی حکم کرد که

تحقیق [illegible] بیاید [illegible] عوض کردیم [illegible]

[illegible] از طهران [illegible] رفتم منزل [illegible] معروف [illegible]

خوابم برد گفتم حالا [illegible] قوچان [illegible]

[illegible] از [illegible] آمدند با [illegible] قوچان [illegible]

شدیم حالا [illegible] ارتفاع قوچان با طهران مساوی است

دوشنبه ۲ — شب با جلال سلطنتی [illegible] ناهار را منزل [illegible] صبح زود حمام رفتم [illegible]

درویش معروف قوچانی رفتم طاق [illegible] دست [illegible]

ناهار خوردم عصر در خانه رفتم شب طهران میرفت [illegible]

سه‌شنبه ۳ — صبح خواستم یکی از علمای قوچان را ببینم گفتم حاجی شیخ الاسلام رفتم [illegible]

[illegible] پیدا شد [illegible]

[illegible] شیخ الاسلام [illegible] صبح [illegible]

شرح حال شیخ الاسلام قوچان

صبح [illegible] ارتکاب [illegible]

طهران رفتم [illegible] منزل آمدم ناهار [illegible]

[illegible] آمدم [illegible]





چهارشنبه ۴ — امروز [illegible] شیخ مهدی منزل او رفتم ساعت

[illegible] مجلس [illegible]

شرح حال درویش قوچانی

[illegible] خطور کرد [illegible] درویش گفت [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] منزل

آمدم ناهار خوردم بعد درب خانه رفتم الی عصر بودم

پنجشنبه ۵ — از قوچان حرکت [illegible] منزل [illegible] صبح با [illegible] چند

صفحه قرآن [illegible] قرآن [illegible]

چند صفحه قرآن خط بایسنقر

[illegible] درویش رفتیم [illegible]

[illegible] ناهار [illegible] روز [illegible]

[illegible] منزل [illegible]

منزل [illegible] رفتم ارتفاع [illegible] از طهران [illegible]

جمعه ۶ — [illegible] از طهران [illegible] منزل رسیدم صبح [illegible]

مدت سفر از طهران تا قوچان

[illegible]

[illegible] رسیدم [illegible]

[illegible] منزل آمدم [illegible] ارتفاع [illegible] طهران [illegible]

سه‌شنبه ۷ منزل راه [illegible] شهر [illegible] فرسخ [illegible]

در بین راه [illegible] منزل رسیدیم در [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible] منزل نکرد

چهارشنبه ۸ منزل [illegible]

[illegible]

[illegible] منزل [illegible] منزل رسیدیم [illegible]

منزل [illegible] کوه [illegible]

پنجشنبه ۹ [illegible]

[illegible]

[illegible]

شاه [illegible] منزل [illegible] رسیدیم

جمعه ۱۰ منزل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] منزل [illegible]







ناهار در قریه [illegible]

[illegible] رسیدیم

چهارشنبه ۱۱ چهار ساعت [illegible] نصف شب [illegible]

[illegible] طلوع آفتاب [illegible]

[illegible]

آفتاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] منزل [illegible] رسیدیم [illegible]

یکشنبه ۱۲ [illegible]

[illegible]

دوشنبه ۱۳ [illegible]

در خانه رفتم شام خوردم بعد از ملا نیاز [illegible] شام بیرون نخوردم خوابیدم بسیار از حق گذشتیم

منزل امین سلطان رفتم نهار دادم حاضر خوردم بعد صبح رفتم با امروز شاه به باغ اصطبل

به حرم محترم دیده گردش مدارس دیگر رفته [illegible] شبها حرم تشریف بردیم

سه ۱۴ هر سه روز است روزها مادرم صبح که در خانه رفتم دو ساعت دستشان محمود آقا [illegible]

[illegible] آمدم [illegible] سلطان [illegible] محمد [illegible] کاشان

[illegible] کرده [illegible] مهدی [illegible] منزل [illegible]

[illegible] رسیدم [illegible] نگاه کرده [illegible] کرده [illegible]

هیچ کاری نکرده [illegible] را در ده روز [illegible] کرده

پنجشنبه ۱۵ شاه امروز [illegible] در باغ [illegible] شاهزاده [illegible] کرده [illegible]

وقت [illegible] منزل خوردم [illegible] نهار [illegible]

بعد در خانه [illegible] منزل کرده است [illegible] ملک الاطباء [illegible]

بعد نهار بسیار [illegible] خوردم بعد [illegible] منزل آمدم عصر در خانه

رفتم شام بیرون شام [illegible] ملک الاطباء [illegible] معالجه [illegible]

جمعه ۱۶ خواستم [illegible]

[illegible] ملک [illegible] الدوله [illegible]





خواستم بعد رفتم تا عشا چهار ساعت کاری نداشت [illegible] نشد

سه شنبه ۱۷ صبح در خانه رفتم با [illegible] شاه [illegible] دیدم [illegible]

[illegible] بعد از نهار خانه آمدم عصر با [illegible] رفتم در [illegible] محمد آقا [illegible]

چهارشنبه ۱۸ امروز شاه [illegible] الله [illegible] در حرم محترم خواهند رفت [illegible] حضرت

پنجشنبه صبح در خانه رفتم تا بعد از نهار [illegible] خانه آمدم خوابیدم [illegible] سید ابراهیم

[illegible] خانه [illegible]

بیرون [illegible] جناب آقا رفته [illegible] می‌کند [illegible]

[illegible] خواستم بعد [illegible] آقا [illegible] که [illegible] آقا را

[illegible] آقا را [illegible] آقا [illegible] امروز [illegible]

خبر [illegible] آقا را [illegible] آقا را [illegible]

[illegible] این کار را کردم [illegible] قرآن آقا [illegible] می‌کنند [illegible]

جمعه ۱۹ صبح به در خانه رفتم [illegible] شاه [illegible] امین السلطان [illegible]

[illegible] شاه [illegible] کرده [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

مطلب [illegible] تا کنون نه حواله [illegible] واقعه عجیب [illegible] شنیده بودم

که ربعی ام چهار پنج هزار سال زیادتر از این شده است شاید هم هزار سال عمر دارد حالا زن

امیر شیر علیخان مرحوم فرمانفرمای کابل که مسکن جواهر در حرم است با اسم فخر الدوله خلاصه بعد از نهار رفته

آمدیم عصری عمارت شاه طهماسب حضرت ارکی جات بیوتات در جات مصحف بخط کفلیس ماموره جاسوس روس سرحدات

سرحدات افغانستان را رقم این شخص خیلی مرد عالم است تحقیق ساخت لذت شد

مطلب

جمعه ۲۰ امروز شاه بطرف حرف به مرغه تهیه ظاهر کردیم عمارت نهار دیگر ارک [illegible]

معدن طلا است نهار ... تخفیف بنا که کنار این ارک است امیر قرار ... ملک دور ... [illegible]

او را دیدیم ... چیزی است حضرت میر شاه ... در شهر بواسطه این ... [illegible]

نگاه دارند به بهانه حضرت ملک ... [illegible] ... جمله

این ضعیف آمد رفتن از این ... به کلی است اگر ... ما است ... [illegible]

خواهیم آمد ... ده روز دیگر ... شد خلاصه جمع نهار ... [illegible]

بطرف ارک آمده منتظر شاه شدیم سوار شدیم ... که حضرت ... [illegible]

نهار ... بعد از ... سوار شدیم بطرف منزل ... [illegible]

رسیدیم خواستیم ... زیادی ... [illegible]

آمدیم تا ... طرف ... [illegible]

سه شنبه ۲۱ در طرق ... شاه بطرف معدن طلا ... [illegible]





در معدن منزل ما هم عصر که شاه مرحمت کرده از همراهان رسیدیم معلوم شد یک جای معدن

معدن دیگر باشد ... معدن طلا است ... در حوالی آنجا ها معدن ... [illegible]

طلا دارد شاه ... عصر آنجا ... مرحمت ... شب ... [illegible]

من هم ... در شام ... تاریخ عثمانی و روزنامه خواندم ... [illegible]

می‌نویسیم الله ... پادشاه ... خزانه

عرض

... خزانه ... حوالی ... [illegible]

... [illegible]

... طلای ... [illegible]

... معدن ... [illegible]

مخمس

... [illegible]

... [illegible]

دست ... اندرون را جمع کرده ... [illegible]

... [illegible]

تا آن ... مکتب شاه ... معدن

... [illegible]

دسته وضع مجلس بنجابی پیدا کند یعنی تعزیه خوان فراهم کرده که بخوانند از وقتی ما ایستیم

نیم ساعت که گذشت تماشا ملاحظه تعزیه و وضع مجلس باهم از حد عالم جواب پیدا کرد تعزیه

یعنی خوان باز شروع کم کرده که خوانم از قفسه ثانی مبالغه در توقف میشود تعجیل اعمال

ملوک تعزیه باز [illegible] چادرهای [illegible] جمع [illegible] تشریف [illegible]

[illegible] ملیک [illegible] ملا [illegible] ملک

[illegible] طبیعی [illegible] بارک [illegible] میکنند

یکشنبه ۲۲ . امروز [illegible] شاه [illegible] حضرت [illegible] امیر [illegible] ظهر [illegible]

[illegible] منزل [illegible] منزل [illegible] محمد [illegible]

خوابیدم [illegible] ساعت [illegible] منزل [illegible]

[illegible]

[illegible] یک [illegible]

دوشنبه ۲۳ . [illegible] صبح [illegible]

[illegible] منزل [illegible] الحمد لله [illegible]

سه‌شنبه ۲۴ . صبح [illegible] منزل [illegible]

متغیر [illegible] حرارت کرده [illegible]





متغیر کرده [illegible] تهران [illegible] محمد [illegible]

رکاب [illegible] چهار ساعت [illegible]

کرده [illegible] در خانه [illegible] زیارت آستانه مبارکه [illegible] حرم خانه

[illegible]

[illegible] فحش

[illegible] اول

[illegible] تهران [illegible]

[illegible] پدر سوخته

[illegible]

[illegible] حرم مطهر خانه [illegible]

[illegible]

چهارشنبه ۲۵ . امروز صبح [illegible] حاکم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جمعه ۲۶ — صبح فاتحه امین لشکر رفتم از آنجا به راه خیابان کسی ندیدم [illegible] نشستم به باغ

در [illegible] رفتم تا [illegible] تشریف [illegible] رفتم از در [illegible] الماس [illegible] نعت [illegible]

و [illegible] کند [illegible] پیشکار [illegible] و [illegible] دادم شد

شنبه ۲۷ — صبح باز دیدم [illegible] رفتم [illegible] کسی ندیدم [illegible] را از [illegible]

گرفته‌اند [illegible] زن شاه [illegible] در خانه [illegible] نهار [illegible]

[illegible] نهار [illegible] رفتم [illegible] منزل آمدم

یکشنبه ۲۸ — صبح [illegible] باز دیدم [illegible] آمدم [illegible] در خانه رفتم [illegible]

منزل آمدم شب [illegible] موقوف شد

دوشنبه ۲۹ — صبح در خانه رفتم بعد از نهار [illegible] آمدم زیارت [illegible]

خیابان [illegible] از صبح [illegible] شام [illegible]

[illegible] امروز [illegible] زیارت [illegible] دعا [illegible]

سر [illegible] نماز [illegible] خواندم [illegible]

[illegible] امروز [illegible] تشریف [illegible] حضرت [illegible] نهار [illegible]

بعد [illegible] رفتم [illegible] نماز [illegible] خواندم [illegible]

[illegible] خواندم [illegible] کردم [illegible]





سه شنبه غره شهر ذیقعده الحرام — بحمدالله [illegible] از شهر مشهد مقدس بیرون آمدیم این چند روز

توقف بسیار بد گذشت [illegible] منزل کثیف [illegible]

[illegible] آب [illegible] بد گذشت صبح [illegible] در خانه آمدم [illegible] بیرون [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خواستم [illegible] گفت [illegible]

[illegible] منزل [illegible]

آمدم [illegible] منزل [illegible] شب [illegible]

[illegible] خلاصه شب در خانه رفتم [illegible] بعد

منزل آمدم [illegible] را دیدم [illegible] منزل [illegible]

معلوم شد [illegible] شب [illegible]

چهارشنبه ۲ — منزل شریف آباد [illegible] فرسخ است [illegible] شاه سوار شدم [illegible]

[illegible] صحبت کردم [illegible] آفتاب [illegible] نهار [illegible]

[illegible] است ارتفاع این منزل [illegible] هفتصد [illegible]

پنجشنبه ۳ — منزل [illegible] است راه [illegible] فرسنگ است صبح [illegible]

[illegible] شاه

بقصد شکار رو بپایین سنگ معدن ازرق که توی تشریف بردند در سکه عمله حضرت رسید گفته داد تشنه

نشستم بعد بر دیگ گاو رفتیم نهار خوردیم چای بعد عصر سوار شده روانه منزل شدم قدری خوابیدم فردا حاضر بودم

رسید از منزل فردا از روی سنگ نمک گذشت حضرت رسیده را صحیح بد درست که شاه محمد خواهد

همچنین پرستاری خبر نگرفت ... محمد قزل آمدم

جمعه ۴ صبح کاغذ زیادی نوشتم بطهران بعد در درشکه نشسته سوار شدم در درشکه قدم زدم تا که

منزل است نهار را ... در سر نهار بعد تا عصر روزنامه خواندم امروز هیچ نخوابیدم کسالت خیلی زیاد

از هر دره خبرهای خوشی از ... از طهران رسید هوای ... ارتفاع از مشهد ... پیچ

حواس

شنبه ۵ امروز اطراق است منزل ... است ... است ارتفاع مشهد

... است در درشکه سوار شدم ... از منزل ... نهار ... محمد

نهار با ملیجک در شکارگاه نشسته سه ساعت بغروب مانده بمنزل رسیدم قدری خوابیدم

یکشنبه ۶ امروز شاه ... رفتیم با ملا ... رئیس العلماء که ...

شد ... ملاقات ... شخص ... در ... مرحوم علاء الدوله است بعضی

اطلاعات از ... مسجد ... رفتیم از آنجا منزل ... عصر ...

خیلی ... بعضی را در روزنامه ... نوشت

دوشنبه ۷ ... صبح ... بود





الی نهارگاه که قریب ... متعلق ... جوی ... بعد منزل ... نهار ... محمد ... تا عصر

... روزنامه خواندم عصر ... منزل آمدم ... است ...

ارتفاع ... است ... طهران رسید ... خوب است

سه‌شنبه ۸ منزل ... است ... فرسخ است ارتفاع از مشهد ... قدری ... آمدیم

چهارشنبه ۹ منزل ... فرسخ ... خاکی ... سوار شدم این منزل ... از طرف سمنان

پنجشنبه ۱۰ منزل سبزوار است راه ... فرسخ ... صبح ... سوار شده ...

... صبح ... منزل ... است ... اگرچه ...

... اما ... از آنجا ... بودیم ... به نهار

... روزنامه ... محقق ... طرف شهر آمدم منزل ... است

... ابراهیم ... رفتیم ...

... املاک ... قطعه‌ای

... املاک ... بودیم ...

شهر آمدم ... تا ... ایران ... دیار ...

خلاصه این جا از مشهد ... نزدیک‌تر است

جمعه ۱۱ امروز صبح ... سبزوار که ... است رفتم ... الدوله مرحوم ...

مطلب — عینک حاج ملا هادی سبزواری که اولاد او بمولف دادند

مرحوم حاجی را ه با زن سابق بالای کار بکرد یعنی هم پیر کرده نوشته دادند من در عینک را مرحوم حاجی
سبزواری در ۱۵ سالی ابتدا استعمال بکرد بعد از ان به بیه کردیم بعد از ان [illegible] سیم [illegible] اکردش کرده طرف
منزل آمدیم چون سحر خاستیم بدنم را شست بشیدیم تا رخت خشم در خانه رفتیم شاه حضر با جوال پرپیز خورده سکار
تعقید اولاد مرحوم حاجی ملا هادی سبزواری بهم دیر خواندند شب در حالی که [illegible] حاجی [illegible] باز هم
باشی رئیس [illegible] سبزواری هستند و طهران جهان بودیم

سه شنبه ۱۲ — منزل [illegible] جمع [illegible] شاه [illegible] که [illegible] رقیم حاجی
منتظر شدیم شاه تشریف آوردند در کتاب الذریعه سید که [illegible] روزنامه خواندم زیاد نعیم
شاه [illegible] حضرت [illegible] بعد با سید در شدند از حضرت اقدس [illegible] قرب [illegible]
دو ساعت نشسته منزل آمدیم در باغ طرف شمال است منزل کرده [illegible] از راه [illegible] ارتفاع از
مشهد کوه [illegible] حاجی کبیر الله ملک که [illegible] قبر [illegible] مقبره [illegible] دو [illegible]
شیخ تقی [illegible] سبزوار [illegible] کرده نزد سید ابوالقاسم [illegible] رفت [illegible]
[illegible] سرفراز [illegible] سلطان [illegible]

چهارشنبه ۱۳ — منزل [illegible] چهار فرسخ [illegible] رسیدیم [illegible] آمدیم [illegible]
منتظر شدیم شاه تشریف آوردند از [illegible] وقت [illegible] تفقدی [illegible] به [illegible]
[illegible] شب [illegible] القاب [illegible] در [illegible] نشسته منزل آمدیم [illegible] طهران [illegible]







[illegible] نشسته [illegible] منزل [illegible] از منزل [illegible] بالا
[illegible] سواری [illegible] حرکت [illegible]

پنجشنبه ۱۴ — منزل [illegible] جمع [illegible] شاه [illegible] است
[illegible] شاه رسیده [illegible] روزنامه خواندیم [illegible]
[illegible] نشسته منزل آمدیم این منزل [illegible] از مشهد [illegible] است

سه شنبه ۱۵ — در [illegible] جمع [illegible] که [illegible]
[illegible] الدوله [illegible] طهران را [illegible] کرده [illegible]
خواهم [illegible] حکم [illegible] رفتیم [illegible] شهر [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] رقیم دیدیم [illegible] شاه [illegible] منزل آمدیم

چهارشنبه ۱۶ — منزل [illegible] است [illegible] ارتفاع از منزل [illegible]
است جمع [illegible] در [illegible] نشسته [illegible] در [illegible]
حرکت [illegible] تفقدی [illegible] نشسته [illegible]
در [illegible] رفته دیدیم [illegible] را عرض کردم [illegible] کرده [illegible] نشسته [illegible] که
[illegible] عرض کردم [illegible] تشریف آوردند [illegible]
منزل [illegible] نشسته [illegible] روز [illegible] شاه [illegible]

بازدید ملک بلجیک

خیلی میل داشتم بدانم حالا که مشغول ... در شکار و در سیاحت هستیم در ... ملک ادوارد هفتم

چه روزی بود بعضی از ... این طرف ... با بلیط ... این جوان ... [illegible]

صحبت ... بانی ... حضرت ... این در شکار [illegible]

تلگرافی به ملکه ... داده است ... [illegible]

بسیار ... نهایت ... [illegible]

پنجشنبه ۱۷ دیشب ... [illegible]

خانه ... [illegible]

دیشب ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... ۲۰ ... [illegible]

جمعه ۱۸ صبح ... [illegible]

... [illegible]

... فرمان ... [illegible]





تاریخ مطلب تحریر

امین السلطان فرمان را گرفت ... محمد ... امین السلطان ... [illegible]

وزیر دربار ... صدر اعظم ایران ... [illegible]

... [illegible]

مملکت ... [illegible]

کار ... [illegible]

تألیف کرده ... [illegible]

... [illegible]

همسایه

... [illegible]

شنبه ۱۹ در بیابان اطراق است صبح ... [illegible]

... [illegible]

... تهران هم رسید

یکشنبه ۲۰ منزل در بیابان است صبح ... [illegible]

... [illegible]

دوشنبه ۲۱ ... [illegible]

... [illegible]

مزینان جلو آمده است قدری مکث کرده شاه سوار شدند در رکاب سلیم قدری سواره رفته به مکه

جلوی وضعه صحرای شمع کرده به بهار اعادة می‌آید بهار ... منزل آمدیم حالا جرگه ایم از ... 

عصر بعد ... تند ... از ... شاه ... قدری ... شهر ... 

این از لطف ... که ... تفرج ... خدا حفظ کند ما را از شر ...

از ... در شام ... 

۲۳ درشاهی ... بعضی خلاعات ... رو ... خان

... منزل ... خان ... 

ظالم ... 

... حافظ ... 

روی خدا حفظ کند ... 

منزل آمدیم ... حرکت کرد ... 

۲۴ ... از مشهد ... 

... شیخ علاء الدین ... 

... 

... شاه ... 







منزل آمدیم ... درخانه ... عصر ... 

۲۴ منزل ... چهار فرسخ ... 

خانه ... 

آورده ... 

... 

از ... 

... 

... 

... 

رساب ... خلاصه ... 

... 

... منزل آمدیم ... 

از منزل ... محمد خان ... 

... 

... 

آورده بودند من جمله دسته فیروزه‌ای است از این قسم از جواهر که هر دو هم رنگ فیروزه تقدیری که بود
و رنگ طبیعی این جواهر همه خوب اما حرف نزدم میرزا ... است شاه ... گفت ... اینها فیروزه
که شاه ... می‌بود از این فیروزه دارم جعبه انگشترها ... را ... امین السلطان ... لا بد
خواهیم کرد با شاه ... کوتاه ... که تمام اطراف ... رنگ است رفته از ... 
جعبه را آورد ... جعبه ... در ... سکه ... را ... جعبه
یعنی ... آمد که ... جعبه ... فیروزه را ... امین السلطان
... شاه ... که ... بود ... در ... 
کشیدن ... دماغ ... حالا هم ... را ... آمد آورده ...
ترسیدم مبادا ... دماغ مبارک ... شاه ... دارد ... را ...
سببی ... جعبه باز شد ... معروف ... ... که ... 
تا خان صدر اعظم ... از ... تا خان ... رسید ... ...
بیرون آوردند نزد فیروزه امین السلطان گذاشته ... امین السلطان ...
... کرد یعنی فیروزه امین السلطان ... رنگ ... شد ...
... فیروزه شاه ... است ... فیروزه ...
اما ... این ... امین السلطان ... طبیعی ... 





امین السلطان ... فیروزه ... است شاه ...
... امین السلطان ... فیروزه ... آورده
... امین السلطان
... هر وقت ... است ...
... منزل ... است

جمعه ۲۵ منزل زعفرانی است ...
...
...
...

شنبه ۲۶ ... است ... حاکم ... آمد ...
... رسیده ... 
... منزل ... 
... منزل ...

یکشنبه ۲۷ منزل امیرآباد است ... 
... منزل ... 

و سایر [illegible] و قصد در این [illegible] بعقب [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] این [illegible]

گذشت بعد [illegible] که گذشت [illegible] چشمه [illegible] زلال [illegible] چشمه

مجازی

مجازی کرد کوه [illegible] که [illegible] رفته تحقیقات

علمی [illegible] عصر [illegible] ارتفاع [illegible] مولود

فتحعلی را دیدیم که [illegible] مولود [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] وقت [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] قاجار [illegible] شاه [illegible]

چهارشنبه ۲۸ منزل [illegible]

بعد [illegible] آب آفتاب گردان [illegible]

از آفتاب گردان [illegible]

روزنامه خواندیم عصر منزل آمدیم ارتفاع [illegible] زرع [illegible] مشهد

سه‌شنبه ۲۹ امروز منزل [illegible] ارتفاع [illegible]

[illegible]

[illegible]

بعد از



بعد از صرف نهار [illegible] منزل راندیم [illegible]

[illegible] رفتیم شام خوابیدیم [illegible]

قدری روزنامه خواندیم [illegible] آمدیم [illegible]

[illegible]

[illegible] از طرف [illegible]

چهارشنبه سلخ امروز منزل سمنان [illegible] ارتفاع [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

سمنان [illegible] خالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رسیدند

عرض کرد [illegible]

ملیجک اول

دستخط [illegible] ملیجک اول [illegible]

امروز ملیجک [illegible]

[illegible]

شاه

شاه سیاه دم صبح منزل آمدیم رفتیم [illegible] ماه وارد طهران خواهیم شد

خمسه غرهٔ شهر محرم الحرام — امروز [illegible] است دستخط [illegible] الحمد لله [illegible] بود [illegible] من هم تماشا [illegible] دیدیم [illegible] حکیم [illegible] الی

بعد از ظهر [illegible] صبح منزل آمدیم [illegible] طهران نوشته فرستادیم

جمعه ۲ — منزل [illegible] از [illegible] صبح [illegible] بعد از

دیدن [illegible] آمدیم [illegible] شاه [illegible]

[illegible] شریف آوردند [illegible] از شهر [illegible] تحقیق

[illegible] منزل آمدیم [illegible] نه فرسخ بود

شنبه ۳ — [illegible] شام [illegible] انیس الدوله [illegible]

دیدیم [illegible] انیس الدوله را [illegible] ابراهیم خان [illegible]

[illegible] انیس الدوله هم [illegible] انیس الدوله [illegible]

[illegible] تغیر خاطر [illegible] شام خوردن [illegible] شام [illegible]

شان [illegible] تصویر [illegible] است [illegible]

[illegible] تحقیق ضیاء الدوله تماشا [illegible] روزنامه [illegible] از وضع

[illegible] شاگردی [illegible] کتاب [illegible]

اصرار







[illegible] خاطر [illegible] منزل [illegible]

[illegible] فرسخ بود صبح [illegible] شاه [illegible] اردو [illegible]

[illegible] منزل آمدیم ارتفاع [illegible]

یکشنبه ۴ — منزل [illegible] ارتفاع [illegible]

[illegible] صبح [illegible] تماشا [illegible]

[illegible] خارج شدیم [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

[illegible] منزل آمدیم [illegible]

دوشنبه ۵ — منزل [illegible] صبح [illegible]

[illegible]

[illegible] از وضع [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] منزل آمدیم [illegible]

[illegible] منزل [illegible] طهران [illegible] فرسخ بود

سه‌شنبه ۶ — منزل [illegible] صبح [illegible] الی [illegible]

خبر تنزل است که هر روز قیمت آن تنزل دارد فاسد ... نقره غلام بچه و امداد ... دختر

الله بحضور ما آورده و ... ظاهر بودن را ملاحظه کنند ... گذشته مرده ... بعد از نهار مجلس ... نشسته

نشسته تنزل آمدیم نایب السلطنه و عزالدوله ... فرسنگ ... تنزل ... مقدم ... را شیعه ... خرابه ...

از مشهد صدر زمین ... بلند تر از طهران ... ... عرب ... دو فرسخ ... نایب السلطنه خبر ...

رفته اند شهر ... تنزل ... در وقت ... را فرمودیم ... از نقره ... نایب السلطنه ... رفت

شاه ... در حضور نایب السلطنه ... حکیم ... در حضور ... نیت ... بحضور ...

سبب ... نایب السلطنه ... طرف ... خواهد کرد ... در شام ... مجلس ... خدمت

با قاضی ... که در رعیت ایران ... ملکه ... پادشاه ... هزار ... کرد ... صد ... است

هزار قربان ... و چنین ... کرده کمک ... حکیم ... و ... احمق ... است

آمدیم ... دو ... گذاشته بعد ... ان ... را ... بعضی را ... بحضور ...

با و حال کنند که ... از ... رفته ... فوج ... شام ... 

انشاء الله ... از ... را ... احمق ... نیست ... تنزل آمدیم کله

صحبت ... خبر از طهران آمده بود

سه شنبه ۷ تنزل ... آمدیم ... که دو ... را آورده ... حکیم ...

ام ... الحمد لله ... خوب ... نوشتم ... در ... نهار خوردیم ... عصر ... 





راه امروز هفت فرسنگ از مشهد سر زمین کوده تر بود ... بحضور ... حکیم ... و ... الله ... 

استقبال ... آمدند

شنبه ۸ امروز وارد طهران ... الحمد لله ... سلامت وارد شدیم از ...

... سمت ... در ... راه ... شام ... حرارت آفتاب

... امراض ... استقبال ... منتظر شدیم

... آمدیم در ... که ... که ... شاه ... نشسته ... آورده

... شاه ... وقت ... تماشا کنند ... بالای ... 

... نهار ... از طهران ... بحضور ... نهار ... 

... نشسته ... طرف شهر آمدیم ... طرف ... ملک ... 

... را ... بعد ... سفیر ... نایب السلطنه ... از راه ... 

شهر آمدند ... را گرفته از دروازه ... دروازه ... طرف خانه ... آمدیم ... خانه

... که ... را دیدیم ... طرف دروازه ... 

استقبال ... چیان ... کنند ... آمدیم ... 

راندند ... دیدیم ... شنبه ... ابراهیم ... 

جمعه ۹ ... دیدم از ... آمدیم ... 

عصر جمعی بدیدن آمدند شب هم بار فرنگ را در نقص قنات [illegible]

شنبه ۱۰ — عید غدیر است صبح قاسم [illegible] الدوله و نظام الدوله و [illegible] مخصوص رفتیم از آنجا در رفتیم [illegible] آمدم نهار خورده خوابیدم [illegible] غفلت شد [illegible] عشرت [illegible] از در [illegible] شهر [illegible] قاطر [illegible] سام [illegible] شاه [illegible]

یکشنبه ۱۱ — صبح [illegible] برخاستم در [illegible] رفتم [illegible] ملک [illegible] یار [illegible] کردیم [illegible] نهار خوردیم [illegible] را [illegible] آمدند [illegible] که [illegible] عصر جمعی بدیدن آمدند [illegible] شب [illegible] شاهزاده [illegible] سلطان ابراهیم [illegible] کرد

دوشنبه ۱۲ — صبح جمعی بدیدن آمدند [illegible] رفتیم [illegible] که [illegible] شرفیاب شدند [illegible] نظام [illegible] وزارت [illegible] خارجه [illegible] وزارت [illegible] اجزاء [illegible] خارجه که آمده بودند [illegible] علیخان [illegible] دیدم که [illegible] تعجب کردم [illegible] وزارت خارجه [illegible] رسیدم [illegible] نمی [illegible] گفتم [illegible] تعجب [illegible] اجزاء وزارت خارجه [illegible] علیخان [illegible] خوب [illegible] که [illegible] خانه [illegible] که [illegible] تمام [illegible]

تمتیع







مفصل [illegible] نظمی [illegible] خلاصه [illegible] بعد [illegible]
[illegible] معتمد الدوله [illegible] حسام الدوله [illegible] ملک [illegible]
[illegible] آمدند [illegible] معتمد الدوله [illegible] تعظیم [illegible] الدوله
[illegible] تعظیم [illegible] گفت [illegible] معتمد الدوله [illegible]
[illegible] ملک [illegible] معتمد الدوله [illegible] که [illegible] تعظیم [illegible]

محش

سه شنبه ۱۳ — [illegible] صبح [illegible] [illegible] [illegible] سؤال [illegible] معاف [illegible] سلطان [illegible] [illegible]

مطلب

چهارشنبه ۱۴ — [illegible]

پنجشنبه ۱۵ — صبح [illegible] الدوله [illegible] الدوله [illegible] الدوله [illegible]

مجلس

جمعه ۱۶ شام را شاهزاده ها آمدند جمع بودند ... خواستم جمع شاهزاده ها نشسته بودند ... شام ... آمدیم عصر ... میرزا ... آمدند جمع صحبت شد

شنبه ۱۷ جمع خانه امین الدوله رفتم با ... دربار ... نهار ... نهار با ناظم حضرت ... آمدیم شاهزاده عصر ... تشریف بردند

یکشنبه ۱۸ ... جمع خانه ... رفتم ... ناهار ... نزدیک ... خانه ... آوردند رفتم از آنجا در خانه منزل آمدم

دوشنبه ۱۹ جمع ... رفتم از آنجا در خانه ... نهار ... عصر ... تفصیل ... که می نویسم ... تفصیل ... شاه ... درس ... که ... جمع ... تشریف ... شیخ ... که این پولها را چرا ذخیره کرده اند از میان ... جمع کرده ... دادند ... حالا ... میان مردم ... این پولها را ... که ... منفعت ... مردم ... شاه را ... ظاهرا ... کار ...

سه شنبه ۲۰ جمع ... سلطان ابراهیم ... رفتم از آنجا خانه امین الدوله ... امین الدوله ... آمدند





بعد در خانه رفتم امروز ... مجلس ... بود ... در باغ ... خانه ... شاهزاده ... مجلس ... امین الدوله ... شاه ... آنجا ... حضرت ... بستند

چهارشنبه ۲۱ جمع خانه ... رفتم از آنجا ... رفتم ... که ... آمدم ... آنجا ... بعد ... نهار ... خانه ... رفتم ...

پنجشنبه ۲۲ شام ... شاهزاده ... نهار ... آمدند ... نهار ... طرف ... خانه ... عصر ... شاهزاده ... رفتم ... در ... که ... شاه ... شاهزاده ... شاهزاده ... دیگر ... امین الدوله ... سلطنت ... سلطنت ... امین الدوله ... سفارت ... آنجا ...

ملاحظه فرمودند در این طرف هم عرصه مملکت بحمد الله به ثبات است یکی به نحو حاصل از این غیر محدود داریم تمام خرج
من از حاصل املاک خالصه است شاید عوض کرد از سلطان نشر و دینی چهار تومان هزار سال حاصل بر سر این شاه خال کرده
در صورتیکه دو طرف سی هزار تومان قات محقق سرازیر چهار تومان هزار سال حاصل بر دارد و در میان تمیز ایران قرض بار بیاید
دارد باید فهماند تا هر کس حق دارد این مخارج را بدهد است و در این مجموع در حضور جمع حساب شد ادب
مأمور کنند حقوق نه چهار هزار سال خرج زیر شد و آباد نمودند همه بلکه مجموع حاصل اتفاق الا ماهیه قدیم ...
فرض چهار هزار دیگر نصف آن خرج کرد مختصر آباد جاری تحقیق نمایم نه از حقوق قات بلکه از دزدان آن حقوق قات
عرصه مملکت بیجا با عرصه مملکت فرق دارد که عوض آن کرد داده ها حقوق بیجا آن رسید این سفر حاصل آن حقوق مملکت
مرتب سی هزار سال خرج کرد رزارت یعنی صاحب این ایالت است با وجود آنکه شاه در سفر اصلاح کرد است رسیده
هر دو جمع بود از طرف هم این از آن سبب قات نداشت هم عمل فرمودند هم صالح قات را به اینجا تبلیغ
حرج شد به جمع جهت داده حالا در صدد این ... قاصد مجلس تا ... رسید الکنه مرا امورات ایالت را داده نام تنفیذ
نمره ۳۳ شاه ما طرف دره رود کسب از امید از شرف هم در کار جانب پیغام هم از نهار در جمع کار آتش ...
این حضور هم در راه جهت دزد کار شاه و از آنجا آمد نه سر دره قات رفتند تم به حاشت نهار حضور بیایم ...
و فضل الله هم چند نفر ... رحمت در حضرت در حضور بودند در عمارت بگیرند کلی ... المقصود ...
طلبکه ... در دیوان دیوانی بعد از پر دولت حضرت ... این حالا در چند روز مطلع نمود ... است
نزول ساعتم الا کهر ... تفصیل دراز از نشاندن حاضر کرد شاه هم تفرقه تو حضور اراده فرمود سیار





زنش ... کرد است چرا که من هم چهار حضور این شاه آمده است با هر که باعلم در هر خواهد بود قبلی مرتب که شکر باشد
نمره ۳۴ صبح هم از زیر چهار نقل قرال این حضرت که حرام الزام ... است باز دیدن هم همیت ... در لیغه
همه دور کار شاه قصر فرمودیا رقم شاه و بعد از ظهر در در بعد دیدن نهار به تهوز حکم املاکی خیر تقال بود روز
حضور همه کار زبان حواله کرده عرض بودند طرف سال ز کار تعریف نمود ... اگر از در حضور ... جبر نوع مملکت
پشیمان شده از روز تقصیر رو داده که بحمد الله حضرت که مابین تو هم شاه در طرف قصر فرمودند هم حضور محقق
در رهاکه عمده حضرت سیم زنتیم کالسکه هم کالسکه را نگاه داشته در راه آنکه که حاضر شده ملتفت شد پر مرادی
از این بود بیان که هم شاه ما آورده بود شب کالسکه نشسته به شهر محقق تغییر ثلاث در کرد ... چیز
ضربه مانی بیجا پا زد که به هر آدم هر دو هم رفت محقق چیز داده شاه تعجب نموده ... از در تو قصر فرمودند عصر
در راه حضرت که شاه تنگه را ... تعریف زیاد فرمودند در راه که عمده حضرت تشریف سطر بر مزل آن آمدیم بار نفر هم
نقره ... از قصر فرمودند هم رفتم با جهت رسید از کالسکه هم که بودند با اینکه چهار ساعت بود ... ساعت
ادوات حظ زیر از آنکه بود زمین جور که کالسکه هم زیر آب ساز سه از جهود کرده کرده حیثیم شد اما لم ... کالسکه
هر را کرده بر دخترها دیگر هم کالسکه هم اول ایل نگاه داشت این کار را از در زیر آب شمع جا بر دوخ کردیم
با از راه نه شد از اتفاق ... پر مرد ما ... خیلی شاه داده جای که رسید از عقب ... رسید تو قلعه پیر
سکایت کالسکه هم کرد خنده نمود یعنی تو بود آن بود که قرال از سطر راه بداند به آب تحمل بشیم
نمره ۳۵ ان شاء الله نوشته بود در زیر دیگر نه سر دیا جمع در مرد شد صحیح بحمد الله تحقیق این قیمت ... کار در

شهر آمدم بعد از رسیدن حضرت والا [illegible] آمدم [illegible] رقم [illegible] در خانه

مجلس وزراء حاضر شدم از آنجا دارالترجمه [illegible] آمدم نهار خورده [illegible] عصر [illegible] رقم

شاه در حیاط [illegible]

شام [illegible] تا ساعت چهار [illegible]

تمسیح

دوشنبه ۲۶ شاه [illegible]

نهار [illegible] عصر [illegible]

[illegible]

سه‌شنبه ۲۷ امروز شاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

چهارشنبه ۲۸ شاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

پنجشنبه ۲۹ صبح [illegible]

[illegible] دارالترجمه [illegible] نهار [illegible] عصر [illegible]





[illegible]

[illegible] دارالترجمه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مجاری

امروز [illegible]

جمعه غره شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱ الحمد لله [illegible] السلام [illegible]

[illegible]

خروج جمهوری لازم است. و نه تعارفات دیگر مرا از عقیده خود خارج نکند حالا هم امروز معلوم شد که
روز دیشب مجلس روضه خانه برپا بود شهر پر شد که در روز جمعه اسباب [illegible] نیاورند حضرت میرزا حضرت
مجلس آل علی سید الشهدا ع هم از روضه خانه رفتم شاه قرار عصر که این است بهم زدند [illegible] محقق
میرزا آقا امام علی علیه السلام که در سلطان [illegible] [illegible] [illegible] بود را آورده اند
ما از [illegible] آورده قرار داده [illegible] خروج سلطان ابراهیم که [illegible] [illegible]

سه شنبه ۲ — امروز روضه [illegible] رفتم [illegible] در خانه رفتم [illegible] [illegible]
ادم با ران [illegible] رفتم [illegible] [illegible] کرده است

یکشنبه ۳ — جمع ادرسکی جمعی [illegible] روضه این [illegible] در خانه رفتم شاه [illegible] بود برون تشریف آورده بعد
با وزراء صحبت کرده بود [illegible] این حضور را دیدم [illegible] [illegible] [illegible] فلان
بیا [illegible] [illegible] این حرف [illegible] [illegible] [illegible] از وزراء [illegible] این حضور را [illegible]
رسیده [illegible] [illegible] و امین الدوله [illegible] [illegible] از این حضور کرده [illegible] [illegible] کرده [illegible]
این حضور [illegible] [illegible] عصر [illegible] [illegible] [illegible] این حضور [illegible] کرده [illegible] [illegible]
[illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این حضور
[illegible] [illegible] فحش [illegible] [illegible] حضرت شاه [illegible] [illegible] [illegible] امین الدوله
این حضور [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده است

فحش





دوشنبه ۴ — جمع [illegible] امین الدوله این حضرت [illegible] حضرت جمعی روضه آمده بعد شام [illegible]
تشریف برده چون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
نهار با حضرت [illegible] [illegible] [illegible] آمده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آقا ادام الله [illegible] کلک
از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دارم

سه شنبه ۵ — امروز بعد از روضه در خانه رفتم بعد از نهار [illegible] [illegible] [illegible] شام [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] فحش [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] شاه
شاه [illegible] فحش [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است
[illegible] [illegible] آقا ادام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شام [illegible]

فحش

فحش

چهارشنبه ۶ — جمع جمعی روضه آمده بعد در خانه رفتم بعد از نهار [illegible] [illegible] [illegible] نشستم
[illegible] [illegible] [illegible] رفتم بعد آقا ادام [illegible] [illegible] روضه [illegible] دارم

پنجشنبه ۷ — امروز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] شاه سلطنت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خراسان
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وزراء [illegible] [illegible] [illegible] وزراء [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطنت [illegible]

مطلب

نهار بیرون رفتیم [illegible] فرخ خان آنجا امین حضرت [illegible] ما هم روضه خوانی امین السلطان

حیاط

بردیم آنجا رفتیم [illegible] حیاط را چراغ زده زینت داده بود [illegible] که خانه [illegible]

امین السلطنه [illegible] این زینت [illegible] امین السلطنه و نصرت الدوله [illegible] الدوله

امین الدوله و نصیر الدوله [illegible] حضرت [illegible]

تا [illegible] نشستن [illegible] مرا [illegible]

[illegible] روز [illegible]

[illegible] روز شهادت حضرت قاسم که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شهر [illegible] برادر [illegible]

[illegible]

[illegible] مطلب

[illegible]







بیرون [illegible]

جمعه ۸ صبح امین الدوله [illegible] روضه [illegible] نصیر الدوله [illegible]

[illegible] کنک [illegible] سیدی [illegible] در کوچه [illegible]

[illegible]

[illegible]

خانه [illegible] روضه خوانی [illegible]

شنبه ۹ صبح [illegible] روضه خوانی [illegible] نهار [illegible]

رفتیم ساعت [illegible] شام [illegible]

[illegible]

[illegible]

یکشنبه ۱۰ عاشورا [illegible] روضه خوانی [illegible]

[illegible]

ساعت سه آمدم [illegible] خانه [illegible]

دوشنبه ۱۱ صبح [illegible] محمد [illegible] خلوت کرده

[illegible]

سه شنبه ۱۲ [illegible]

در ارک با [illegible] عمارت بالا نهار خوردیم بعد سر در حمام آمد از آنجا شاهزاده دیدیم سر [illegible] عالی میرزا محمود [illegible] شب بود

دوشنبه ۱۳ صبح در رختخواب [illegible] ترجمه ایلچی انگلیس دنیا [illegible] مراجعه [illegible] کرده [illegible] الدوله [illegible]

درس کردم با [illegible] کتاب [illegible] ترجمه [illegible] از [illegible] عصر [illegible] امپراطور روس [illegible]

با [illegible] لطف [illegible] در [illegible] مراجعه [illegible] کار را [illegible] گفته

سه شنبه ۱۴ [illegible] صبح [illegible] بعد [illegible] از [illegible] کردم [illegible]

در [illegible] طرف [illegible] آمد [illegible] حکیم [illegible] منزل [illegible] کرده

[illegible] میان [illegible] طهران را در [illegible] تحقیق کرده طهران [illegible] منزل [illegible]

را [illegible] حکیم [illegible] منزل [illegible]

چهارشنبه ۱۵ امروز [illegible] رفتیم سوار [illegible] منزل [illegible] با خلق بسیار [illegible] بعد از نهار [illegible]

[illegible] منزل آمدم [illegible] در [illegible] احوال شاه [illegible] مطالعه [illegible]

در [illegible] روزنامه خواندم [illegible] تحقیق [illegible] طهران را [illegible] کرده طهران [illegible]

با [illegible] از [illegible] طرف [illegible] کرده [illegible] شاه [illegible]

پنجشنبه ۱۷ شاه [illegible] صبح [illegible] باغ شاه رفته نهار [illegible] بعد از نهار [illegible]

[illegible] بعد از نهار منزل آمدم تا ساعت [illegible] در منزل بودم

جمعه ۱۸ صبح [illegible] که [illegible] را از [illegible]







[illegible] رفتم [illegible] عمارت [illegible] بعد [illegible] سوار [illegible] رفتم از منزل

[illegible] روزنامه خواندم [illegible] منزل آمدم [illegible]

شنبه ۱۹ امروز شاه سوار [illegible] طهران [illegible] باغ شاه [illegible] نهار [illegible] بعد [illegible]

[illegible] طهران منزل [illegible] نهار [illegible] بعد منزل آمدم [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] از [illegible] گفتم [illegible]

[illegible] خواندم [illegible] شنیدم [illegible] زبان [illegible]

[illegible] ایران [illegible] قانون [illegible]

در جهان و دنیا [illegible]

یکشنبه ۲۰ امروز [illegible] شاه سوار [illegible] منزل [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] بعد از نهار شاه [illegible] منزل [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible] عصر [illegible] منزل [illegible]

منزل آمدم [illegible]

آفتاب [illegible] روزنامه درس خواندم [illegible]

[illegible] منزل [illegible] طهران [illegible]

دوشنبه ۲۱ امروز [illegible] صبح منزل [illegible] شاه سوار [illegible]



با غوا

قلعه کوه

بنام [illegible] شاه درس فرانسه

بهم خورده حالت نوبه عارض شد منزل آمدیم شوربا خوردیم شام را حذف و درد گرفت درد سر شدیدی

[illegible] تب دیشب طهرانی آمده که که حرارت شدید بود نخوردیم شب با قوه کرده تا صبح [illegible]

جمعه ۲۲ تب شدید دیشب حالا [illegible] که خوردیم شام [illegible] [illegible] و [illegible] محمد الدوله محقق آقا

شب دو ساعت حرارت کرد که صبح حرکت [illegible] خواهیم برد

شنبه ۲۳ [illegible] آمدیم صبح با تقیان محقق [illegible] سر [illegible] آمدیم شام [illegible] دو در

بهار [illegible] از کار [illegible] یک جا [illegible] آن نیم که [illegible] [illegible] آمده

یکشنبه ۲۴ [illegible] [illegible] امروز [illegible] الدوله [illegible] طهران [illegible] [illegible]

امین [illegible] امروز [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] امین [illegible]

صدارت مستوفی الممالک

دوشنبه ۲۵ صبح از طهران رفتیم امین الدوله که [illegible] آمده [illegible] [illegible] از

طهران آمده با تقیان در [illegible] رفتیم [illegible] [illegible] [illegible] رفتیم صبح [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ترجمه تفلیس [illegible] روزنامه [illegible] [illegible] کرد

اگر چه نهار خورده بودیم [illegible] [illegible] خوردیم [illegible] آمد خواهیم برد [illegible] [illegible] [illegible]

اخبار [illegible] [illegible] [illegible] مصر را [illegible] [illegible] تفلیس [illegible]

[illegible] [illegible] دو روز تب در [illegible] رفتیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible]

رسید [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]





در این [illegible] اخبار [illegible] از [illegible] [illegible] امروز هم [illegible] خان [illegible] [illegible] [illegible] خدا حفظ کند

[illegible] ایران را [illegible] [illegible] خان که [illegible] [illegible] داد [illegible] [illegible] آمدم

سه شنبه ۲۶ صبح [illegible] [illegible] [illegible] رفتیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] کرده با

کتابچه [illegible] [illegible] [illegible] رفتیم با امین الدوله [illegible] الدوله [illegible] کرده [illegible] [illegible]

نهار [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از آنجا [illegible] [illegible] خانه [illegible] رفتیم [illegible] خانه [illegible] خانه [illegible] رفتیم از آنجا

[illegible] [illegible] [illegible] از آنجا خانه [illegible] خانه طهران [illegible] [illegible] [illegible]

چهارشنبه ۲۷ صبح از [illegible] [illegible] [illegible] طهران در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از آنجا [illegible] طهران [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طهران رفتیم

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طهران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده [illegible] نهار را در

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] اصلح جزاده

پنجشنبه ۲۸ صبح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نهار [illegible] [illegible] [illegible]

امین الدوله هم رفت [illegible] خصوصیت رقم شاه [illegible] صبح تعجب کرده از [illegible]

با به کمال خصوصیت با امین الدوله [illegible] که [illegible] قیمت اینجا پیدا [illegible] روزنامه هم یکی [illegible]

جمعه ۲۹ — صبح [illegible] رفتم [illegible] از شمس العماره [illegible]

[illegible] شب [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] رفتیم [illegible]

شنبه — صبح [illegible] رفتم [illegible] شاه [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] دیوان [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] صبح [illegible] رفتم [illegible]

[illegible] رفتم [illegible]

[illegible] شب [illegible]

[illegible]

[illegible] — صبح [illegible] رفتم [illegible]

[illegible] رفتم [illegible]







[illegible] شب [illegible]

[illegible] چراغ [illegible]

[illegible] اطاق [illegible]

[illegible] اطاق [illegible] اطاق [illegible]

[illegible] شد

سه شنبه ۳ — امروز صبح حمام رفته بعد [illegible] در ترجمه [illegible] شاه [illegible]

درس روسی شاه

[illegible] شروع به درس روسی کرده [illegible] خان مترجم [illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible] که [illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible] شاه [illegible]

[illegible] از طرف [illegible]

چهارشنبه ۴ — صبح [illegible] رفته بعد [illegible] شاه [illegible]

[illegible] رفته [illegible]

[illegible] صبح [illegible]

[illegible]

[illegible] صبح [illegible]

[illegible] [illegible] السلطنه [illegible]

معیر خانه آمدم شب چهار ظهر(؟) نیم امین الملک و دو اقبال در شب هم تعمیر

سه‌شنبه ٥ — دیشب ساعت چهار دستخط شاه نوشته بودم فرموده بودند صبح با درویش خان نو

رو به ... درشان تپه بروم جمع شیرالدوله ترکی تپه آمد بود همه بودند با درویش خان رفتم

درشان تپه بزرگ باغ سپهسالار نایب السلطنه را دیدم در ایوان بیرون تالار رفته بود اله کرد بچه

سان دیدم ... در ایوان فرش ... بعد رفع شد کرد درشان تپه رفتم شاه هم تشریف آورده

و حضور بودیم ... ملک ... غلام بچه و فراش ... آوردند بود

شیرخانه

که تماشای شیرخانه بکنند حضور آوردند خلاصه با درویش خان درس ... خانه ...

لعل ... حضور ... جمعی این السلطان هم حضور رسیده بود ... بعضی که ...

از دو ... که ... دیروز در کتابخانه ... که باز کرده ... کرده بعض ...

... طرف عصر شاه از ... کتابخانه ... صدای ... حضور در را باز

کرده گربه را بیرون ... که در ... حکم ... کشته

اندرون ... این ... از ... خان ... بچه ... رحم ... از اندرون

جهت ... در ... آورده شاه ... تشریف ... اندرون ... در ...

نعل

... که اندرون ... شاه ... طفلک حرام زاده

... این ... دستخط ... این ...

... خان ... شاه ... که ... این اندرون







در جیب ... هیچ ... که ... جیب شاه ... را ... میکنند

این اندرس ... را ... شاه ... چه ... که ... این السلطان ...

اسرار ... امروز ... این طفلک ... را آوردند ... در ... دیشب ... شد

نعل

در ... خانه رفتم شاه ... حکم ... که ... اسب

مطلب ملا محمد شهور بگاو

شهور بگاو ... حالات ... داغ ... سفر ... اسب

... که ... قبر ... خان ... شاه ... آنجا ... وقت

رسم چنین بود که اسم ... شاه بخط مبارک نوشته ...

... خان غلام بچه ... خانه ... خان ... در ...

از اتفاق امروز ... خان غلام بچه ... اسم ... که ...

شغل و سمت پدران

... که ... خان ... را ... داشته ... وقت ... صاحب ... بود ...

اسم ... کرده ... خان غلام بچه ...

با ... اسم ... شاه ... عوض کرده شاه ... کرد

اسم ... عوض ... خان ... که ... اسم ...

شاه ... اسم ... اتفاق

جمعه ٨ — ... شاه ... رفتم شاه ... تشریف آوردند این السلطان که ٨ ...

مطلب خلعت بها

خلعت بها ... حضور آوردند شاه ... که ... و ... خان ...

یک ... که ... جه ... تشریفات ...

عصر رفتیم عصر قاجار آمدیم شهری خوابیدیم یک ساعت از شب رفته خانه نایب السلطنه رفتیم شام آنجا خوردیم

ساعت سه با کالسکه آمدیم

در ساعت سه

سه‌شنبه ۷ صبح پیاده دار الترجمه رفتم ارامنه در خانه [illegible] بعد از ناهار [illegible] خانه آمدم خوابیدم تا ساعت

چهارشنبه ۸ صبح حاجی محمد خان رفتم ارامنه در خانه [illegible] از سیاحان ایطالیا از طرف [illegible]

آمده بودند [illegible] بعد از ناهار رفتیم خانه آمدم تا عصر با [illegible] حاجی میرزا [illegible] علی خان

عضد الدوله دختر [illegible] رفته بعد عصر خانه [illegible] نایب السلطنه [illegible]

درود رفتم شیر الدوله [illegible] ارامنه امین الدوله [illegible] توسط [illegible]

[illegible] یک ساعت از شب رفته خانه آمدم

دوشنبه ۹ امروز [illegible] شیر برده [illegible] صبح [illegible] رفتم

بعد خانه ظهر [illegible] بعد خانه آمدم ناهار خورده [illegible] شاه بعد از ناهار حاجی [illegible] السلطنه

[illegible] رفتند از آنجا بطرف [illegible] رفتند نایب السلطنه هم [illegible]

جمعی علماء الدوله را [illegible] دیده شد که از [illegible] گذشته [illegible]

[illegible] با [illegible] نایب السلطنه را دیدم [illegible]

دختر [illegible] را [illegible] اظهار لطف و [illegible] برده [illegible]

[illegible] آمدیم [illegible]

پنجشنبه ۱۰ صبح [illegible] برده [illegible] ناهار [illegible]

بعد [illegible] با [illegible] محمد خان [illegible] ناهار خورده خوابیدم







نخوابیدم [illegible] سید ابو القاسم حرف زد خوابیدم [illegible] حضرت [illegible] میان سید ابو القاسم و [illegible]

تفتیش کرده [illegible] در خانه رفتم الی ساعت چهار خوابیدم

جمعه ۱۱ صبح [illegible] ظهر [illegible] نشسته [illegible] آمدم دار الترجمه رفتم بعد خانه آمدم ناهار خورده خوابیدم عصر

با [illegible] ظهر [illegible] بعد [illegible] شاه امروز [illegible] عصر [illegible]

را احضار کرده شب [illegible]

شنبه ۱۲ امروز [illegible] شاه [illegible] شیر الدوله [illegible] احضار [illegible]

شاه [illegible] آن وقت شیر الدوله را [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] منزل [illegible] عصر [illegible] آمدم [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] خوردیم [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] شاه شام [illegible] حرف [illegible] بیرون آمدم تا ساعت چهار [illegible]

یکشنبه ۱۳ صبح [illegible] امین السلطان [illegible] امین السلطان [illegible]

منزل [illegible] امین السلطان و نصیر الدوله [illegible] امین السلطنه [illegible] شنیدم که

شیر الملک و قوام الملک [illegible] قرار شد شاه بیرون [illegible]

با نصیر الدوله [illegible]

بیرون رفتند [illegible] شام [illegible]

دختر قزوینی تشریف برده بودند ملک جهان را از حرمخانه به حضرت عبدالعظیم و قزوین در

یک دو نیم بعد از ظهر به منزل آمده بودند و پسر حضرت والا ناظم خلوت امین الملک و امین اقدس شام صرف کرده

سه شنبه ۱۴ امین السلطان عصر بهجت قاجار امیر تومان ریش سفید آمده بود بار دوم بچه آن از خانواده

که بعضی از اطرافیان حضور همایون شاه بودند سرکار آقا آقا بهادر در حضور بعضی از شاهزادگان رفته بود

الله از خانواده کتاب ناصرالدین شاه بعضی قزوین و راه کنار جاده به باغ جدید سلطنت آباد تا باغ رفته

هر دو ام خوابیده بودم عصر در عمارت سلطنت آباد شاه بیرون تشریف آورده کتابی در وضع شناختن طلا

معدنیات بود دو به اطراف خود خواندند ترجمه کرده امین همایون و غلام بچه حاجی محمد ترجمه کرده با تشویق

رفته بود از کوه سنگ سیاه دیده با زحمت طلا بدست آمدن طبع کرده است در شام خوابیده

سر شام هم روزنامه خوانده شد خبر است و دو بچه عباس میرزا در باغ دروس انگلیسی خواندیم

خالو دو روز خوانده محافظت شد

سه شنبه ۱۵ امروز شهر آمدم شاه در شکار آباد رفته بود به باغ و بعد بیرون رفتند اکثر اهل حرمخانه

امروز صبح که بیرون آمدند به امین حضور عرض کرده بودند که از اسب پایین افتاده بر شکار آباد مرا رسانید با نهر

پسرک آب در باغ رفته بود ناصرالدین شاه همه اهل حرمخانه همراه بودند که حضرت اقدس برگشتند آمدند در سر سلطنت آباد آمدند

چهارشنبه ۱۶ امروز خیلی شب تا صبح بیدار بودم حضرت حضرت خودشان تشریف آوردند ... صبح حاجی

محقق رفتم از آنجا قاجار حسب کرده بود ناهار خوردند ... رفتم در میعادگاه ... خلوت



استخراج طلا

مطلب روشن شکار آباد





ناظم خلوت امین اکرم حاجی میرزا عبدالله خان رسیدند چای و عصرانه خورده و در پارک رفتیم از آنجا به تجریش

رفتم دو سه ساعت گردش کردند ناظم خلوت با اشخاص سفر کرده بودند اختلال در کار ملک دیده تا فردا

هر دو هم رفتند امروز حاجی عبدالله ... حاجی محمد الله ... حاجی قزوینی تشریف داشتند

پنجشنبه ۱۷ صبح محمد خان را دیدم با ... ... رفتم در ... بیرون شام خوردند حکیم الممالک هم

ترجمه کرده بود خوب از جمله این روزنامه را که در پاریس صحبت با حاجی خان هم میرزا

ناظم خلوت ... ... کرده عوض کرده ... ... ... ... ... ... تفصیل

حضرت هم ... ... امروز ... ... ... ... آب ... حضرت ...

... ... ... آمدم در ... ... ... ... ... ... ... ...

جمعه ۱۸ صبح آقا امین الملک ... در ... رفتم ... ... آمدم عصر ... ... ... ...

تشریف برده بود از قرار گفته بود سه ساعت ... ... ... ... ... ... ... شاگرد ها

... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... عالم ... ... رفتم ... ... ... ... ... ... شکار رفتند

... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ... ...

... ... خانه آمدم ... ... ... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... شکار ... ... ... ... ... ... ... ...

دامن سرداری نظام مستجاب در کار نو حقیقت است پیشخدمت دیدیم بازار را خیلی چراغان منظم و قشنگ کرده بودند

یکشنبه ۱۹ صبح پیاده در خانه رفتم حرم‌خانه پیدا شد ناهار خوردیم و خیلی خوش گذشت، عصر خانه امین‌الدوله آمدیم ناهار

خورده قدری خوابیدم عصر خانه کلایدرفانی دیدم معین‌الملک رو وقت جوان رفتم حکایتی که انگلیسی بود در روزنامه

کلایدری شاهم که از طرف دولت روس منصوب است یعنی از دفتر قزلباش است مادر او دختر عمو [illegible]

و حالا دوازده ساله است چون حرارت کرده بود محض خاطر او رفتم شام عصر با غ [illegible] آمدیم

شب‌ها را عیش شد با ساعت خوش بودیم شام و نهیه از ناز قدری روزنامه ترجمه کردم عکاسباشی قدری آمد

دوشنبه ۲۰ صبح در خانه رفتم سر ناهار موقع پیدا کرده عرض کردم چرا در حق محقق با شفقتی نمی‌فرمایید؟ او چه

چه کرده عرض کردم اگر کسی دیگر شما به سلطنت ما بنده ماهی خدمت کرده شرح شده بود غرض اولادی نکرد رفع

تقصیر و شفقت بر او شد که بعد آن روز و محقق را آوردم چرا نعیم را از ناهار خانه خلعتی دادم

بالاپوش تعلیمی دادم بعد خانه در کار زنها عالیه افلاطون خیر و امیر نظام که اینها همه تعلیمات

در هزار نظام پیدا کرده عرض کردم شاه حکم فرمود به اتابک نظام را به ازای خدمات الدوله مواجب ۶

و منصب سرتیپی دادم که دیگر به بابالعالیه قوام الدوله بکند نظام الملک را دستخط

سه‌شنبه ۲۱ صبح در منزل کلایدر اهل تحفه آوردند در هفت چادر دریای رفتم از آنجا در خانه بعد از ناهار خانه کلایدم

عصر در خانه شمیران رفتم همه را آتش بازی عظیم قدری تماشا کردیم

چهارشنبه ۲۲ شاه نوازنده حرم ساز شنیدیم در حرم در کنار خیمه نهار در خرابه خانه رفتم





وقت مغرب در خانه رفتم تا چهار ساعت بعد از مغرب به منزل آمدم

پنجشنبه ۲۳ امروز صبح در خانه رفتم با سلطان ابراهیم کلایدر دسته‌ای تماشا تدارک شب بعد از

خریدیم شد جوانان زن جوانان کلایدر سهام خان وزیر مختار پطر کلایدر حسن خان امیر اسرار محقق

طوزان حسین‌الملک سپکز امیرزاده سلطان ابراهیم کلایدر ماردن زنان خیلی ایل خوب و چه

خیلی خوش گذشت

جمعه ۲۴ صبح در خانه حضرت شاه پیدا شد ناهار خانه حرکت کرده و به باغ رفتیم شب را در حرم

شنبه ۲۵ صبح در خانه حرم در خانه رفتم باز خیالات شاه پریشان بود طوری که ملک سر ناهار آمد و

حضور اکرم شاه تعزیه ادوار امروز در سرای نو رفتم تاریخ عثمانی خواندم کلایدر سهام خان وزیر مختار رفتم

مراد و شب امروز حضور رسیده حضرت شاه را دیدم میدان مشق سیاه سواره جمعی از سلطان را دیدم

حقیقتاً ترتیبات است بی‌نظیر از قبیل شیرینی و میوه فراهم آورده بود شاه که از جلو رد شدند خیلی

ملاحظه کرد شخصیت وزرا سفها و رنجه بود میان جلو هر یک را نیکو کرده و شیرینی و میوه نثار کرده

شاه تعزیه تحقیقات را خوب رفتند

یکشنبه ۲۶ امروز صبح خوبی شنیده بودیم صبح با اتفاق در کتابخانه نشسته سر چهار رفتم ناهار

خورده بود رفتیم صبح رفتم لطف بعد منزل حاجی رودخانه خواجه را به یک تو کرها خوب که کرده منزل

ملک را اکرم خیلی آن ما تیغ تیشه حسین را ادب کنم کتک زدیم حضرت شاه از رکوه تشریف

آورده یک یکی از هم زنده بود تر در باغ بعد از چهار صد در روزنامه تا بعد از شام خواندم صبح

منزل آمدم کلایدر بهاءالدین خان حکیم هم آمد بود منزل خیلی وسط خودم بنشم که در سفر کمی منزل را

[illegible]

جمعه ۲۷ امروز [illegible] ملک [illegible] را خواسته [illegible]

[illegible] ملک [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] شام خورده [illegible] شهر آمدیم [illegible]

[illegible] شهر آمدم [illegible] خوابیدم

شنبه ۲۸ صبح [illegible] در خانه رفتم حضرت شاه [illegible]

یکشنبه ۲۹ صبح [illegible] حکیم [illegible] حضرت شاه

رسیده [illegible] آمدم [illegible]

دوشنبه غره ربیع الاول [illegible] صبح [illegible]

دیوان [illegible] ایران در [illegible] رفتم [illegible] خانه [illegible]

حسب الفرمایش [illegible] رفتم [illegible]

[illegible] خانه آمدم امروز [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] طهران [illegible]

سه شنبه ۲ صبح در خانه رفتم [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] کتابخانه [illegible] حضرت شاه [illegible]

[illegible] کتابخانه [illegible] رفتم [illegible]

سر ناهار [illegible] روزنامه [illegible] خانه [illegible] رفتم تا ساعت چهار [illegible]

چهارشنبه ۳



چهارشنبه ۳ امروز شاهزاده [illegible] مشغول [illegible] است

[illegible] ۴۴ سال است پریروز در حضرت شاه رسید [illegible] در

شکارگاه [illegible]

تمام روز را در شکارگاه بودیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پنجشنبه ۴ صبح [illegible] رفتم ۲۲ جلد کتاب ترجمه [illegible]

[illegible]

جمعه ۵ امروز شاه [illegible] سبحان الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شنبه ۶ صبح [illegible] رفتم [illegible]

عصر [illegible]

یکشنبه ۷

شنبه ۷ صبح که در کتابخانه رفتم شاهزاده خودشان ... امروز تمام کتاب الف حضرت شعر ... کتاب [illegible]

عصر که دیدن ... رفتم شیرالدوله ... که رفتم در کتابخانه امروز ... سلطان ... [illegible]

دوشنبه ۸ صبح که در اطاق رفتم در کتابخانه حضرت شاه رسیدم مدتی در باغ روزنامه خواندم بعد در ... [illegible]

حضور ... اطاق رفتم در این ... میرزا ... خان را دیدم که از حضور شاه ... آمد این کلام ... [illegible]

نقضیه ... حکیم الممالک ... حضور ... چند روس ... شاه ... است در ... [illegible]

... شاه روسی درس ... حکیم الممالک ... [illegible]

رفتم ... رسید ... سلطان ابراهیم ... [illegible]

درس روسی خواندن شاه

سه‌شنبه ۹ امروز صبح ... بودیم ... باران ... جمع ... [illegible]

... شاه رفتم ... [illegible]

عصر ... رفتم ... [illegible]

چهارشنبه ۱۰ امروز ... باران ... رفتم ... [illegible]

... شاه ... تشریف آوردند ... کتاب ... [illegible]

خواندن ... [illegible]

پنجشنبه ۱۱ صبح ... آمدند ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

[illegible]



دار ... شام ... تشریف آوردند ... شام ... [illegible]

... [illegible]

... الدوله را ... طبقات ... [illegible]

این ... شام ... [illegible]

... [illegible]

جمعه ۱۲ امروز شاه ... رفتند ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

شنبه ۱۳ امروز شاه ... رفتند ... شاه ... [illegible]

... الدوله ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

یکشنبه ۱۴ امروز شاه ... [illegible]

... [illegible]

و خوش بود خاطر ناصری دیشب بود مزاج مبارک متغیر شده اما چه فکر کرد ما طرف سر پرسیدیم امین السلطان که

ما طرحی که کرده بود گفت بنشینید نزد امین السلطان بروید شاه ... خودش خواهش خیلی نقد [illegible] قصد یادشان ما طرحی

این جا؟ آن ... های امین السلطان رحم کنم آنها را تنبیه کرد ... انقدر را از ... نظر امین السلطان

حاضر نشود ... دیدید سر حرفشان هم ... ما طرحی که تمیز است بکنید خلاصه ... بیستم

منزل آمدم شام هم ... تشریف بردند ... کرده بودند ... امروز ... نوشتم

... در ... باطن شاه ... شد

چهارشنبه ۱۵ ... آمدم ... در ... حضرت ... تشریف آوردند ...

و ... حالا ... ملک ... و دولت ... حرف ... باطن

دو وقت ... عصر خانه آمد

سه شنبه ۱۶ صبح ... رفتیم ... شد ...

سلطان ... امین السلطان ... فرمان ... میرزا ... کرد

امروز ... شد الحمدلله ... گذشت

چهارشنبه ۱۷ عید مولود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است صبح ... امین الدوله ... رفتم ... در

حضرت ... رسیدیم ... رفتیم ... تقصیر

نوشته ام ... امین السلطان ... در حضور ... رفتم ... ناهار خانه آمدم ...





امین السلطان آنجا در خانه ... آمدیم ... امین الدوله ... رسیدم

... امین السلطان ... شده ... محمود

امروز ... شاه ... صادق ... در ... خانه

آمدم ... نوشتم ... است

جمعه ۱۸ امروز شاه سلطنت آباد تشریف بردند دیشب ... خوابم نبرد ... ساعت

به صبح ... چون ... ماه ... امروز ... بیرون آمدم حمام رفتم

پوشیدم نماز خواندم قرآن ... خواندم باز ... نکرد ... کرد خوابیدم ... رفتیم ...

... خانه ... آن ... رسیدم ... سلطنت آباد رفتیم شام ... تعریف ...

و ... نهار ... تاریخ عثمانی را دست ... دادم ... رفتیم ...

... که ... شهر آمده شنیدم ... امین السلطان ... در

... سلطنت ... که ... و ... در ... 

در ... ۲۵ ساله ...

در ... خانه ... آمدم

جمعه ۱۹ امروز که در ... شاه ... امین الدوله ۱۲۹۰

... کرده ... رفتند ... آمدم ... نیامده

ندیدیم چرا عصر از بیرون رفتم خانه آمدم عصر دیوانخانه رفتم

شنبه ۲۰ صبح خانهٔ محمد حسن خان رفتم بعد در خانه پادشاه متغیر بود با امین الدوله حضرت کردند بعد از نهار
شاه خانه آمدم شب در خانه چهار بودم تا ساعت [illegible] بعد امروز جلو دربار شاه تماشا [illegible]
دست آخر [illegible] داده که شاه [illegible] آن روز جلو [illegible] خورده است

یکشنبه ۲۱ صبح باران می‌بارید در خانه رفتم مختصر که برای امین السلطان در روزنامه بود بعد
بنظر شاه رساندم [illegible] امروز همه [illegible] جمله دیشب بود در خانه [illegible]

مطلب روزنامه قبلاً بنظر شاه رسیده است

دوشنبه ۲۲ امروز مختصر باران آمد شام هم بود [illegible] رفتم از آنجا قصر فیروزه [illegible] خانه
امین الدوله عیادت رفتم امین الحضور هم بود [illegible] رفتم [illegible] خانه

سه‌شنبه ۲۳ صبح باران می‌آمد در تجریش رفتم از آنجا در خانه بعد از نهار شاه خانه آمدم [illegible]
یک ساعت از شب در خانه چهار بودم تا ساعت سه [illegible] بعد خبر [illegible] ایلچی
عثمانی شهرت داده است که مهدی مصری پایش را دیده است [illegible] که ترک‌ها انگلیس و
دولت‌ها شهرت [illegible] عهد کرده است که دیگر [illegible] نکند

مطلب شهرت دادن ایلچی عثمانی راجع به مهدی مصری

چهارشنبه ۲۴ دیشب [illegible] مختصر رعد و برق و تگرگ باریده است
[illegible] در ایران چنین اتفاق [illegible] رعد و برق ندیده بودم صبح خانه
نظام الملک رفتم [illegible] مرحوم که مادرش [illegible]

مرحوم



مرحوم است و حالا زن نظام الملک شده است [illegible] تعزیت رفتم این علیه خانم سی و چهار سال
داشت [illegible] سلیمان خان [illegible] کرده [illegible]
روز [illegible] در خانه حضرت شاه رفتم بعد از نهار خانه آمدم

پنجشنبه ۲۵ صبح خانه [illegible] رفتم کتاب برای شاه توسط امین الدوله [illegible] بعد آوردند
رفتم [illegible] بنظر شاه رساندم بعد از نهار شاه خانه آمدم عصر [illegible]
[illegible] در خانه چهار بودم تا ساعت [illegible] بعد [illegible] سراج الملک آمد [illegible]
[illegible] سراج الملک [illegible] شاه [illegible]
داشت در شام [illegible]
[illegible] روزنامه [illegible]

تمجید شاه از روزنامه خواندن مؤلف

جمعه ۲۶ شاه [illegible] قصر فیروزه [illegible] قصر فیروزه
[illegible]
هزار [illegible]

شنبه ۲۷ صبح [illegible]
در سر نهار [illegible]

یکشنبه ۲۸ صبح خانه [illegible] صورت

صورت

خدمت شاه رسیده نصیر الدوله به یکی از [illegible] بجای ما مرحمت شده خواهد رفت [illegible] الدوله

پسر مرحوم حسنعلی نظام الدوله که تازه از اروپا آمده بجای [illegible] بسیار جوان قابل دانا فهیم است

در فرنگستان بودن مولف

سه سال در فرنگستان با هم بودیم در روز [illegible] مرض [illegible] دیشب فوت کرد شاهزاده [illegible] حسین [illegible]

از تبریز رفته [illegible] [illegible] با [illegible] خدا ما را [illegible] از [illegible]

[illegible] از ناهار شاه خانه [illegible] شاه هم [illegible] [illegible] عصر [illegible] رسید که

شاه پرده [illegible] احضار کرده رفتم شاه از [illegible] [illegible] بود [illegible]

[illegible] بعث [illegible] خانه [illegible] کرده

جمعه ۲۹ شاه [illegible] تشریف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دیوان

[illegible] سروان [illegible] تا آخر منزل [illegible] رفتم [illegible] رفتم [illegible]

[illegible] از [illegible] خانه [illegible] ناهار خورده خوابیدم عصر [illegible] [illegible] [illegible]

رفتم [illegible] [illegible] [illegible] پیدا [illegible] [illegible] [illegible] دیشب [illegible]

[illegible] از خدمت شاه که [illegible] است [illegible]

شنبه سلخ امروز شاه سوار شده منزل [illegible] عصر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سلطان ابراهیم میرزا پسر مرحوم عماد الدوله برادر زن مولف

[illegible] از [illegible] سلطان ابراهیم میرزا پسر مرحوم عماد الدوله که برادر زن [illegible] است [illegible] خانم

[illegible] امین الملک را [illegible] [illegible] امین الملک [illegible] خانم [illegible]

[illegible]



ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غالباً [illegible] [illegible] تخفیف [illegible] نوشته

توسط [illegible] سید [illegible] را طلب کنم امروز سلطان ابراهیم میرزا از شهر آمده [illegible]

طلب کاغذهای معاشقه گلین خانم خواهر سپهسالار و مادر سیف الملک از سیف الدوله با امین الملک

[illegible] [illegible] [illegible] از آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سپهسالار [illegible] امین الملک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] زن [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از [illegible] سیف الدوله [illegible] سلطان ابراهیم میرزا [illegible] منزل [illegible]

سه شنبه غره شهر ربیع الثانی امروز شاه سوار شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible]

[illegible] [illegible] منزل [illegible] ناهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] [illegible]

یکشنبه ۲ امروز شاه سوار شده [illegible] منزل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] نصیر الدوله نصیر الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible] عصر [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان ابراهیم میرزا [illegible] [illegible]

تعاقب شاه صورت مولف را

دوشنبه ۳ [illegible] [illegible] شاه هم سوار شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible] امروز شاه صورت مرا از عقب کشیده [illegible] [illegible]

[illegible]

خیلی خوب با نوازنده‌ها [illegible] در حالت نشسته از [illegible] بیرون آمدیم [illegible]

شنبه ۴ امروز [illegible] ناهار خوردیم [illegible] شاه [illegible]

[illegible] شاه که از [illegible] گذشت [illegible] احوال [illegible] کرده [illegible] بیرون [illegible]

حریق در عمارت بیرونی دربار

[illegible] ساعت [illegible] از شب [illegible] بیرون [illegible] آتش گرفت [illegible]

یکشنبه ۵ امروز شهر رفتیم صبح که شاه بیرون آمد [illegible] حریق دیشب [illegible]

[illegible]

[illegible] خانه [illegible] که [illegible]

[illegible] از آب [illegible] شاه [illegible]

دوشنبه ۶ صبح [illegible]

حضرت [illegible] در مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible] که شاه [illegible]

[illegible] خانه [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] در خانه با شاه در باغ [illegible] کردم [illegible] شاه [illegible]

[illegible]





تولد تاج السلطنه

در [illegible] دیشب در خانه [illegible] شاهزاده زن شاه دختری آورده موسوم به تاج السلطنه شد

سه‌شنبه ۷ صبح [illegible] حضرت شاه رسیدیم بعد از شاه خانه آمدم وقت [illegible] رفتم

[illegible] کردیم شب [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] خانه آمدم خیلی راحت [illegible]

چهارشنبه ۸ صبح در [illegible] رفتم شاه تشریف آوردند بیرون [illegible]

شب [illegible] خانه آمدم شب [illegible] رفتم ساعت ۳ [illegible]

پنجشنبه ۹ صبح [illegible]

[illegible] خانه آمدم

جمعه ۱۰ صبح [illegible]

[illegible] شاه [illegible]

[illegible]

شنبه ۱۱ صبح [illegible]

[illegible]

جنده بازی باغبانهای گلستان

[illegible]

[illegible]

یکشنبه ۱۳ صبح که نیلسلطان قزل صارم الدوله رفتم دیدم حضرت حضرت شعاع السلطنه ... صاحب

حضرت وعضد ... در اندرون رفتم اجزا داده ... با حضرت شاه بردم خیلی بازی کرد ایشان را

نایب السلطنه آب ... داده شد ... کرده ... جیبان بازی راحت کرده با شاه ... از ...

در تقصیر ... عرض کردم که ... از ... که ادارهٔ ... باغات ... است اگر ... ایشاه

انشاءالله ... نامه ... آمدم تا فردا معلوم شود کار ... بازی ...

دوشنبه ۱۳ صبح ... رفتم شاه ... عرض کردم چون

... دار ... حرم ... آمدم ... جمع ... شد ...

... بازی حضرت ... رسید ... نایب السلطنه ... دیگر ... بود ...

... آمدند ... حضرت ... عرض کردم ...

... حضرت ... خانه ... آمدم ... خانه ... نشسته ...

... حضرت ... نایب السلطنه را دیدم ... آوردم ... شاه ...

... شاه ... خط داده چرا ... آورد ... خط

دوم ... بازی ... که ... کرده ...

... شاه ... روزنامه خواندن ... شد

... بازی ... شاه ... هم ... بیش ... از هم

بهم

شغل دیگر مؤلف

تنبیه و مجازات ... جنده باز



... نایب السلطنه را ... چوب زدند ... کرده ...

شاه ... [illegible] ... ازاطاق ... آمدم

... دادم ... عرض ... ترک ...

... نایب السلطنه ... حضرت ... شاهزاده ... الدوله هم ...

سه شنبه ۱۴ ... خانهٔ ... رفتم ...

... شاه ... شاه ...

با ... کردن ... ساعت ... دیروز ...

... نایب السلطنه ... سلطان ...

... را ... اول ... کند اگر ... خواهد داد

چهارشنبه ۱۵ صبح ... رفتم ... شاه ... وقت

وقتیکه ... عمارت ... شاه ... ۱۱۱

... در عمارت ... میخواهند ... علاوه

... اطاق حاجب الدوله ... شاه ... الحمدلله ...

... شاه ... خواندم ... آمدم ...

... عرض ... در مجلس ... تا فردا معلوم ...

نمره ۱۶ — حرف آورده است مقصر باران [illegible] حاجی [illegible] حکیم [illegible] اهل اصفهان از [illegible] در انتظار
دو اتحصیه بابا و بردن نمی‌خواهند بود [illegible] حضرت [illegible] [illegible] شنیدم [illegible]
خواهند [illegible] [illegible] عمل است حالا [illegible] [illegible] [illegible] قرادل [illegible]
صدای شنیده از میان [illegible] [illegible] غالباً شب است [illegible] چرا که شاه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد است [illegible] [illegible] [illegible]
خواهیم ما را [illegible] معلوم [illegible] [illegible] گرفتار [illegible] همان شبانه [illegible] اصفهان [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] چه روزها است آنچه که مشهور است [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] شخص درویش [illegible] است چون [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]
[illegible] درویش چوبی کشیده از میان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] محمد خان کشیکچی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] کشیکچی [illegible] [illegible] [illegible] خان [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] خان [illegible]

مطلب
حاجی علیخان قراسباشی
پدر مولف

[illegible] ۳۲ [illegible] [illegible] است [illegible] خان [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible]
[illegible] اصفهان ۲۵ سال [illegible] قراول [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کشته گشت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]







مطلب
مالیات گرفتن گشت از هر قفس
[illegible] در سال یکقران

همان این بوده است که شخص [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
قفسی یکقران [illegible] [illegible] میگیرد [illegible] [illegible] این [illegible] یکقران را [illegible] [illegible] گشت
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مجلس گشت [illegible]
[illegible] [illegible] عصر خانه [illegible] رفتم

حمله ۱۷ [illegible] [illegible] [illegible] رفتم [illegible] که خالصه طهران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] خانه [illegible] عصر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
رفته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در هر صورت [illegible] [illegible] [illegible] تفصیل
[illegible] معلوم [illegible] کرد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] [illegible] [illegible] رفتم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خانه [illegible] رفتم [illegible] [illegible] خانه [illegible] [illegible]
[illegible] طهران

ظل السلطان رقم در حضرت ما را پذیرفت در این صحبت از کردار بعضی مردان کنگره باشد از طرز گفتار
شاهزاده چنین مستوجب تر خلاف آنکه شهرت داده اند ظل السلطان بی توجهی کرده شاهزاده از تشویق
خونشان صحبت را نمودن و چهره ارزش قدر آن هر وقت بخواهیم در اینکه وقت ما بیچاره بیاید
لوازم میدانم ظاهر کنم در خانه ظل السلطان در صحبت کرده در بین راه امین الدوله را دیدم که
از مادرش خونشان در صحبت نموده گفت که هرگاه در باطن هستی تغییر زیاد ورزش گفت اخراج شود

۱۹ اردوی شاه نبود تشریف در تهران تپه تشریف برده فی صباح جمعه استطلاع از شعبه گفت
در سلخانه رقم درب ایمنی تجدید نوری از قصبه کاتکه دعوی دولتم گفتم از کجا قسم زنگی
رفته هیچ جهه خود را بنما به تفصیلاتی درستی نیم کرده تعلیم به همه طرح الوجه در حقی خواه
هم نسبت تا چه رسید بعضی از شاه پردن تشریف آورده لطف عالی کرده بکیفیت از ظاهر
تفقدی و خنده مستوجب خواهد گفت نشانه بعد شاه بورسید فی اعلام عصر جز زیاد درشتم
طوریکه عصر حالت در رسید اگرچه نوازش خانه ظل السلطان رقم در شاهم جمهوری دولت الله
در خانه آمده است امنا از قرار رسمی دیروز کلانه بعید حاجی وزیر خارجه واسطه حوالتی در باب
رفتارم نموده بود در جهه ترجمه ظاهرباشم کلمه تحیه الله خان بر صدیق الملک را از ترجمی
رشته نموده کلمه تحیه الله هم از جهت ترجمه نماید نموده شاه که فرمانها را خوب میداند
...





دیر از ملاقات در صحبت و خنده کمک بسیار از هم زن نموده دانی خانه ظل السلطان رفته بود شاهزاده را اندیشه بود

۲۰ خانه بارون نورمان رفتم در قصبه بی دیده از نحوه او بپرسیم در ایران چنین کاتنی ارزد
در زمان خارجه رسید بر بارون نورمان ترجمه که مستوجب بیاید درست رسمیت از سفارت در انگلیس
و خواهش مردم بیشتر از صحبت از عشق آمادگی ترک در روس رفته اند بعضی رعیت بتبعیت انگلیس
اختیار کرده مردم هم زیادت در ایران رفت فی نفسه تابع ایران فی جمله جزء ممالک روس شده اند
عاقبت دولت را در ایران سیاسی حفظ کنند که باطن دولت بیشتر در وزارت خارجه از عشر عامه ایران
ایران به بار رفت در آنجا حاجی نواب التجار رفته با همان دکان بر نهار با نایب السلطنه در انگلیس تشریف
کرده خلعتی با بخشان باشی برادر شاه هم دادند بعد از نهار در خانه اقبال مخصوص خلعت را با امین السلطنه
در شاهم نمودند بردن قصبه کرده جواب داده چون جواب مدرن اطلاع فی روز خلعت را هم بهتر
این است مدرن اطلاع فی حجه

۲۱ حاجی خانم از خود در ترجمه رقم قدری کار درشتم حضرت داده در مقام شاه درآمدم
مبارزه نمود در حضور شاه فرمایش مقام اروند نهار شاهزاده ها در اسکوه السلطنه امروز دعوت کرده
بجهت مسلم کذارک پرتو شاه در روز بر السلطنه است شب هم تشریف الهی کرده چای و آرد در اثر بدعوت کرده شاه
حرکت شاه رقم در شام ملک از امروز آمده است عوض کرد ظل السلطان آمد امروز حقیقت
مستوجب تحکم شاه تشریف الهی کرده ام تحقیق حاجی معتمد الدوله ظل السلطان نایب السلطنه امروز

در اسم نگذارند نایب السلطنه و بعد حضرت ظل السلطان [illegible] حضرت رقیه بعد ظل السلطان

انگشتر الماس بزرگی داده بود [illegible] صد عدد [illegible] معتمدالدوله [illegible] عدد [illegible] جمع

دست راست بود [illegible] تربت [illegible] حاضر [illegible] ظل السلطان تربت [illegible] داده

اسم مولود [illegible] را [illegible] نایب السلطنه [illegible] فتحعلی شاه است [illegible] نایب السلطنه گذاشته حالا

شاه [illegible] ظل السلطان [illegible] گفت [illegible] و [illegible]

[illegible] ظل السلطان [illegible] نایب السلطنه [illegible] خانه آمدیم

بازراج ملیجک

چهارشنبه ۲۲ صبح [illegible] ظل السلطان رفتیم [illegible] تمام [illegible] کردیم [illegible]

[illegible] رسیدیم [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] رفتیم [illegible] عذر آوردند [illegible] خانه آمدیم

پنجشنبه ۲۳ صبح [illegible] طرف [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] کردیم [illegible] سوار [illegible]

میرزا [illegible] رسیدیم [illegible] قزوین [illegible]

[illegible] رکاب [illegible] شاه [illegible]

طرز تحصیل شاه

[illegible] درس [illegible] میخوانیم [illegible] حالا [illegible]

[illegible] حاجی [illegible] ایران بود [illegible]





[illegible] آوردند حالا [illegible] تفصیل [illegible] دست [illegible]

[illegible] رسیدیم [illegible] آوردند [illegible]

روانه [illegible] که [illegible] ظل السلطان [illegible] حکیم [illegible]

جمعه ۲۴ صبح [illegible] رفتیم [illegible] ماقیان [illegible] شاه

سوار [illegible] ظل السلطان [illegible]

[illegible] ظل السلطان [illegible]

[illegible] الدوله [illegible] رفتیم [illegible] شاه [illegible]

شنبه ۲۵ شاه [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] نهار [illegible]

یکشنبه ۲۶ شاه صبح [illegible] رفتیم [illegible] شاه [illegible]

[illegible] نهار [illegible] رفتیم [illegible]

[illegible] نایب السلطنه [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] داشتیم [illegible]

[illegible] ملیجک [illegible] قطع کردند [illegible]

[illegible] گفت [illegible]

رفته بودیم ... معلوم است ... خلعت ... [illegible]

دوشنبه ۲۷ صبح ... [illegible] ... حالا که ... [illegible]

... شاه انگلیس ... [illegible]

کرده ... حالا ... شاه ... [illegible]

سه‌شنبه ۲۸ امروز ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

چهارشنبه ۲۹ امروز صبح ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]





و ... [illegible]

پنجشنبه غره جمادی الاولی صبح ... [illegible]

... [illegible]

جمعه ۲ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

شاه ... [illegible]

شنبه ۳ امروز ... [illegible]

... [illegible]

یکشنبه ۴ امروز ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

دوشنبه ۵ صبح ... [illegible]

... [illegible]

عصر امروز سلطان محمد میرزا [illegible] نصرالله خان [illegible] وزارت خارجه [illegible] لقب [illegible] کرده است
[illegible] نصرالله خان [illegible] لقب [illegible] کرده است [illegible] نصرالله خان

راجع [illegible] ملکم

[illegible] ملکم خان [illegible] در طهران [illegible] کرده بود [illegible] از طهران
[illegible] نصرالله خان [illegible]
با نصرالله [illegible] دیشب بایران آمد و حالا [illegible] لقب [illegible] که [illegible] رسید و از
[illegible] لقب [illegible] که مرحوم [illegible] تعظیم [illegible]
سه شنبه ۶ [illegible] صاحبقرانیه [illegible] سلطنت آباد [illegible] شب [illegible]
پشیمان شدم [illegible] رفت [illegible]
[illegible] صاحبقرانیه [illegible] سلطنت آباد [illegible] رفتم [illegible]
[illegible] مرحمت [illegible]

فوت بهمن میرزا در قراباغ

میرزا عباس [illegible] مرحمت [illegible]
[illegible] دیدم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]





فوت [illegible] سعید خان وزیر خارجه

چهارشنبه ۷ دیشب [illegible] سعید خان [illegible] وزیر خارجه [illegible]
امروز [illegible] خانه [illegible] رفتم [illegible]
[illegible] رسیدم [illegible]

غرض

[illegible]
امروز [illegible] سلطان محمد [illegible] رفتم [illegible]
پنجشنبه ۸ امروز شاه سلطنت آباد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سلطنت آباد [illegible]
[illegible] سلطنت آباد [illegible]

جمعه ۹ صبح [illegible] رفتم [illegible] رسیدم [illegible]

فوت محمد [illegible] خان [illegible]

[illegible] رفتم [illegible]
شنبه ۱۰ صبح [illegible] رفتم [illegible] رسیدم [illegible]
[illegible]
[illegible] وزارت خارجه [illegible]

شاه فرمودند خیر و در کار است بیدار شوم باغ است جای تفرج رفته عمارت [illegible] خانه آمده اند
شاه تفصیل در حضور جواب عرض کرده که شان حاجی میرزا که شرایط وزارت امور خارجه را هم با جناب حضرت
اجلال بیشتر داده بود ... این حضرت از دولت ما خواهش کرد بود ... الحاق
الحاق که از آن سال تا به حال [illegible] الحاق [illegible] بود ... این حضرت از ما خواهش کرد

اضافه

در روزنامه [illegible] کردم شاه ... این حضرت خواهش کرد در [illegible] باید
شاه ... این حضرت مقصد را گفتم [illegible]
جواب داده بود که ما قرار کرده ایم [illegible] حاجی میرزا [illegible] امروز شاه [illegible]
در حضور که شان این حضرت را [illegible] خطاب جناب را [illegible] عرض کردم [illegible]
[illegible] الحاق [illegible] عرض کردم [illegible] کار [illegible]
در وزارت عرض کردم [illegible] حکیم الممالک [illegible] محمد [illegible] تفصیل [illegible] است

شنبه ۱۱ جمع دولتیه [illegible] رقم [illegible] رسید [illegible] تشریف داشته [illegible] تغییر [illegible]
[illegible] شاه [illegible] حاکم [illegible] امروز [illegible]
ناصر الملک حاکم کرمانشاهان [illegible] امروز شاه [illegible] امام جمعه [illegible] رفته [illegible]
وزیر نظام [illegible] رفته [illegible] دیده که [illegible]
[illegible] حکیم [illegible] محقق [illegible]



راجع بعراق و الحاق
خطاب جلیله





سه شنبه ۱۲ شاه مهمان [illegible] الملک [illegible] جمع [illegible] ناصر الملک [illegible]
در وزارت امور خارجه [illegible] رقم [illegible] الملک [illegible] حکیم الممالک [illegible]
[illegible] کرده [illegible] خلعت گرفت [illegible]
[illegible] خانه [illegible] محقق [illegible] گرده
سه شنبه ۱۳ جمع [illegible] السلطان رقم [illegible] شاهزاده [illegible] که [illegible]
ناصر الملک وزیر امور خارجه [illegible] ایلچی [illegible] الدوله
[illegible] الدوله [illegible] [illegible] نشسته [illegible] این [illegible] ناصر الملک
[illegible] شاهزاده [illegible] رقم [illegible] که [illegible]
[illegible] بحضور [illegible] حضور [illegible]
[illegible] ناصر الملک [illegible] خلعت [illegible]
[illegible] حضور [illegible] خلعت [illegible] خلعت [illegible]
[illegible] خانه [illegible] رقم [illegible]
[illegible] در خانه [illegible] حضرت [illegible]
چهارشنبه ۱۴ امروز شاه [illegible] رقم [illegible] الدوله [illegible]
[illegible] ناصر الملک [illegible] که [illegible] الدوله [illegible]



قصیده حکیم الممالک

مطلب

این جوان شش ماهه [illegible] [illegible] از آنجا بازدید [illegible] حاج [illegible]
[illegible] [illegible] بهار [illegible] [illegible] [illegible]

پنجشنبه ۱۵ صبح [illegible] [illegible] حضرت شاه [illegible] [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حاج [illegible] [illegible] تشریف برده

جمعه ۱۶ صبح [illegible] [illegible] از آنجا [illegible] بهارستان [illegible]
[illegible] محمد [illegible] حضرت [illegible] [illegible] شد

شنبه ۱۷ صبح ظل السلطان [illegible] [illegible] حضرت [illegible] الرحیم
[illegible] حضرت شاه [illegible] بهارستان [illegible] حسام السلطنه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الله
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

یکشنبه ۱۸ صبح [illegible] [illegible] حضرت شاه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دوشنبه ۱۹ صبح [illegible] [illegible] [illegible] شنیدم شاه [illegible]
[illegible]

مطلب
خانه حاج ملاعلی کنی و حاج معتمد الدوله فرهاد میرزا نزدیک یکدیگر و در محله هفت تن که هنوز هم به این نام معروف است بوده
بهشتی راد

رفتار ملیجک که چک (از قرار اینکه اینست که املاء صحیح این نام را که در صفحه — وجه تسمیه ازا نوشته دریافتم)



[illegible] خبر آوردند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] تشریف آوردند
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ظل السلطان [illegible] [illegible] تشریف آوردند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ظل السلطان [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تشریف [illegible] [illegible]

سه‌شنبه ۲۰ صبح [illegible] ظل السلطان [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

چهارشنبه ۲۱ صبح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
خبر آوردند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

داد و ستد خلاصه تمام روز را مشغول بودیم در خانه هم [illegible] خوردن خواستیم عصر [illegible]
[illegible] که گفت [illegible] . برای خلعت [illegible]
[illegible] زدم چون [illegible] خلعت [illegible] برای اینکه مبادا [illegible] کنم و
رنجش حاصل کنند جمع [illegible] برای خلعت [illegible] تا فردا [illegible] کنم خلاصه الحمد
امروز [illegible] الله [illegible] عجیب روی داد با [illegible] سفر کردیم
[illegible] رفتیم مراجعت کردیم الحمد لله [illegible]

[illegible]

بابا [illegible]



